

## جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی (علیه السلام)

دکتر لیلا مقتدایی\*

مجید امیری\*\*

حسین نظری\*\*\*

ستاره موسوی\*\*\*\*

### چکیده

تفکر انتقادی به منزله یک مهارت اساسی برای تربیت اجتماعی عاقلانه فرد در یک جامعه اسلامی شناخته شده است. در همین راستا، تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی جایگاه و اهمیت تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی (علیه السلام) پرداخته است. نتایج نشان داده است، در جهان بینی اسلامی اندیشه، عنصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی است، همچنین تعقل همراه با تدبیر، صبر و مطالعه، تقوای حضور، پرسشگری، موقعیت‌سنجی، بصیرت و روشن بینی، پرهیز از تعصب از ویژگی‌های تفکر انتقادی از منظر امام علی (علیه السلام) می‌باشد. ترکیه، تعلیم حکمت، مذاکره، روش الگویی از مهم‌ترین روش‌های تربیتی مبتنی بر پرورش تفکر انتقادی می‌باشند. گسترش فرهنگ پژوهشگری، چاره‌جویی و کوشش برای کشف حقیقت، کاوشگری و دانش‌پژوهی، تشویق به تحصیل همیشگی دانش، عدالت‌ورزی، احترام به آرا و اندیشه‌های دیگران به‌عنوان برآورد ذهنی باز و رشد یافته و تربیت اخلاقی از مهم‌ترین پیامدهای تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) می‌باشد.  
واژگان کلیدی: تفکر انتقادی، نهج‌البلاغه، امام علی (علیه السلام)، تربیت.

\* استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

Email: Le.moghtadaie@gmail.com

Email: majd.amiri@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی علمی دانشگاه پیام نور اصفهان

\*\*\* مدرس دانشگاه فرهنگیان و دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان

Email: Nazari 1387@yahoo.com

\*\*\*\* دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان، نویسنده مسئول

Email: Setarehmousavi@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲

## مقدمه

انسان در دنیای امروزی با انفجار اطلاعات روبه‌رو است. او همه روزه با سیل عظیمی از مسائل مواجه می‌شود که برای دستیابی به راه حل آنها باید این توان را داشته باشد که با تکیه بر تفکر به پردازش، بررسی و ارزیابی مسائل اقدام و سپس از میان نظرات و آرای مختلف، بهترین نظر و رأی را انتخاب کند. این توانایی زائیده مهارت تفکر انتقادی در اوست.

قرآن و سنت اسلامی بر تعقل و تفکر انتقادی تأکید فراوان دارند. در واقع شاید یکی از جریان‌های فکری که می‌تواند بر مبنای نظامی عقلانی و سامان‌دهی شده، روند رو به رشد خود را در جهان بپیماید، اسلام است و تفکر انتقادی از نظر اسلام واژه بیگانه‌ای نیست و در تعالیم دینی از جایگاه مثبت و پسندیده‌ای برخوردار است. بازنگرشی به قرآن و آموزه‌های روشن‌گر آن، ما را در ضرورت التفات به این ابزار کارآمد و پالاینده افکار و اندیشه‌ها یاری می‌رساند. آیات و روایات زیادی وجود دارند که محتوای آن بررسی و ارزیابی دقیق از قضایا، تحلیل اطلاعات و کاربرد روش منطقی برای رسیدن به نتایج آنهاست. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ؛ ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بدارید اگر آنها کفر را بر ایمان برگزینند» (توبه، ۲۳). «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا؛ و ما به آدمیان سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کنند و اگر آنها بکوشند تا تو به من که خدای یگانه‌ام از روی جهل و نادانی شرک آوری در اینجا هرگز از امر آنها اطاعت نکن» (عنکبوت، ۸). امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «انظر الی ما قال و لا تنظر الی من قال؛ نگاه کن که چه می‌گویند و توجه نکن که چه کسی می‌گوید» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۲۶۸).

با توجه به تأکیدهای مکرر اسلام و معصومان (علیهم السلام) بر تفکر انتقادی، روشن می‌شود که دستیابی به یک نظام کارآمد فرهنگی در کشوری چون ایران که از تمدنی کهن برخوردار بوده و عقاید و ارزش‌های اسلامی در آن حاکم است، مستلزم تدقیق، بازنگری و نقد اصول و روش‌های تربیت سنتی و همچنین مطالعه در نظریه‌های جدید تربیتی و کاوش در مبانی نظری آنها و بررسی تناسب اصول این نظریه‌ها با عقاید و ارزش‌های اسلامی و در نهایت، تلاش روشمند برای تدوین نظریه‌ای کارآمد در عرصه فرهنگی و تربیتی است. امروز در جامعه دینی ما در بیشتر موارد، شیوه یادگیری مبتنی بر عادت دادن است و بسیاری از افراد با تفکر انتقادی بیگانه‌اند. مخاطبان تربیت دینی در نظام آموزشی، نسلی به شدت تنوع‌طلب هستند و شیوه‌های سنتی و قدیمی و روش‌های تکراری، جوابگوی نیاز آنها نیست (علیخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳)، در این راستا اهمیت انجام پژوهش حاضر روشن می‌شود. نگاهی به پیشینه پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، نشان می‌دهد که

بیش از همه، به اهمیت تعقل و خردورزی و جایگاه تفکر در اندیشه‌های امام علی (علیه السلام) توجه شده و هیچ پژوهشی نیز تفکر انتقادی را از دیدگاه آن حضرت بررسی نکرده است، مقاله حاضر نیز بر آن است تا بازتاب این نوع اندیشه در آرای حضرت علی (علیه السلام) را بررسی کند.

یکی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع، مقاله «عقل و دین در کلام علی (علیه السلام)» است که در آن، نویسنده به اصلاح و پالایش احکام اصیل و ناب دینی از کج‌اندیشی‌ها و تحریف‌ها، ارائه مسائل و موضوع‌های دینی توسط عقل، رفع تنافی بین دین و عقلانیت، هدایت و تثبیت در کشف حقایق و فهم مسائل مورد نیاز بشری توسط عقل، از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) پرداخته است (بیات، ۱۳۷۹، ص ۶۹). در پژوهشی دیگر با عنوان «ایمان و خردورزی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، نویسنده می‌کوشد تا نبود تنافی میان ایمان (قلب) و خردورزی (عقل) را با استناد به کلام آن حضرت اثبات کند (خلیلی، ۱۳۸۴، ص ۱).

پژوهش دیگری با عنوان «عقل و خرد و ابعاد آن از زاویه نگاه امام علی (علیه السلام)»، رابطه میان عقل، دین، علم و فهم سخن را بررسی و شاخص‌های عقلانیت، خردگرایی و مانند آن را شناسایی می‌کند. در پژوهش دیگری با نام «عقل و تعقل در کلام امیر (علیه السلام)»، نیز نویسنده به مباحث مختلفی همچون جایگاه عقل در ذات انسانی، عقلانیت مدرن و عقلانیت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، معانی و اطلاقات عقل به تفصیل اشاره می‌کند (برنجکار، ۱۳۸۰، ص ۳۴).

از بررسی پیشینه‌های پژوهش به نظر می‌رسد توجه به تفکر انتقادی، راهکاری عقلانی و لازمه تربیت دینی است. تطبیق مؤلفه‌ها و عناصر تفکر انتقادی با آموزه‌های تربیت دینی و به‌ویژه دین اسلام، سبب می‌شود تا با روشی نوین به تربیت دینی نگریسته شود و نیز تبیین این موضوع، سبب تقویت پایه‌های نظری تفکر انتقادی در تربیت دینی می‌گردد. برای نهادینه شدن تفکر انتقادی در تربیت دینی در سطح جامعه و توجه کاربردی‌تر به این فرایند، لازم است که با آموزه‌های تفکر انتقادی از منظر سیره علی (علیه السلام) بیشتر آشنا شویم. در راستای رسیدن به این امر مهم، مقاله پیش‌رو در تلاش است تا آموزه‌های حضرت علی (علیه السلام) به‌طور خاص و اسلام به‌طور عام را در راستای تفکر انتقادی شناسایی کند و هدف اصلی، پاسخ به پرسش‌های اساسی زیر است:

- تفکر در جهان‌بینی اسلامی چه جایگاهی دارد؟
  - ویژگی‌های تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) چه می‌باشند؟
  - روش‌های تربیتی مبتنی بر تفکر و اندیشه‌ورزی در تربیت اسلامی کدامند؟
  - پیامدهای تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) کدامند؟
- با توجه به اهمیت بالای اندیشه‌های امام علی (علیه السلام)، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین متفکران انتقادی

عصر پیامبر ﷺ و پس از آن، بررسی تفکر انتقادی از دید آن بزرگوار، می‌تواند راهگشای مشکلات تازه‌ای باشد که شاید در سنت اسلامی، پژوهشگران کمتر بدان توجه داشته‌اند. بدین ترتیب با توجه به تأثیر رو به افزایش تفکر انتقادی در رشد مسلمانان از یک‌سو و کمی پژوهش درباره این موضوع، در پژوهش حاضر، نویسنده به بررسی تفکر انتقادی و جایگاه آن از دیدگاه امام علی (علیه السلام) می‌پردازد و براساس آموزه‌های آن حضرت، راهکارهایی تربیتی ارائه می‌دهد.

### جایگاه تفکر انتقادی در جامعه

دنیای مدرن امروز به تفکر انتقادی نیاز دارد؛ چون برای افرادی که در جامعه مدرن زندگی می‌کنند، آرا و نظرات مختلفی پیشنهاد می‌شود و این فرد باید از میان آنها یکی را انتخاب کند، اینها را نقد و بررسی کند و آنچه بهترین است، انتخاب کند. بنابراین، آنچه در جامعه امروز ما، نیاز است تسهیل و آموزش فرهنگ گسترش‌دهنده خلاقیت و نقد در بین افراد جامعه می‌باشد.

در حقیقت، افراد برای مواجهه با مسائل زندگی و اتخاذ تصمیم‌های اساسی نیازمند مهارت‌ها و صلاحیت‌های تفکر انتقادی هستند. برای اینکه فرد بتواند تصمیم مهمی در زندگی بگیرد، می‌بایست قدرت تجزیه و تحلیل، ارزیابی و قضاوت نسبت به شرایط زندگی خود را داشته باشد. داشتن توانایی و مهارت تفکر انتقادی به اشخاص اجازه می‌دهد تا بتوانند در زندگی، اطلاعات پیرامون خود را پردازش کنند، به‌طور عینی به استدلال و استخراج نتایج از انواع متنوع اطلاعات پرداخته و به‌طور مؤثر، عینی و ملموس به ارزیابی مشکلات بپردازند و با وجود اطلاعات ناقص، تصمیم‌گیری معقول و مستدلی اتخاذ نمایند. در واقع، خردمند هر کاری را به فرمان خرد و اندیشه می‌کند. بنابراین تفکر انتقادی، تفکر جوابگو (مسئول) و ماهرانه است که به قضاوت خوب افراد نسبت به خود، دیگران و جامعه در زمان حال منجر می‌شود. تفکر انتقادی، تفکر اصلاح‌گراست، به‌طوری که بر کشف نقاط ضعف و اصلاح کاستی‌های افراد تأثیر می‌گذارد (امام وردی و نیستانی، ۱۳۹۲، ص ۲۱).

وقتی در جامعه‌ای «تفکر انتقادی» بین مردم و عموم گسترش می‌یابد چنین جامعه‌ای در واقع به‌عنوان یک «کل» می‌تواند استفاده بهتری از علم و پیشرفت تکنولوژی داشته‌باشد. مردم چنین جامعه‌ای عقل و خرد را پاس می‌دارند و از آن برای پیشرفت شخصی و فردی از یک‌سو و پیشرفت و توسعه اقتصادی از سوی دیگر بهره خواهند گرفت. همچنین مردم در جامعه‌ای که «عقل نقاد»<sup>۱</sup> و «تفکر انتقادی»<sup>۲</sup> در آنها پرورش یافته باشد حقیقت‌شان را از رهبران و مسئولان خود، مطالبه می‌کنند (مایرز،<sup>۳</sup> ۱۳۷۴، ص ۲۵). تفکر انتقادی در جامعه از راه ایجاد روابط معقول میان انسان‌ها و

1. Critical reason

2. Critical thinuing

3. Myers

تصمیم‌گیری براساس تحلیل عناصر یک موقعیت و تفکیک عناصر مطلوب از نامطلوب، زندگی توأم با آرامش و مهربانی را به ارمغان می‌آورد. تفکر انتقادی منطبق با ویژگی‌های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی‌طلبی است (غلامزاده و جمالی، ۱۳۹۵، ص ۲۲).

افزون‌بر این هنگامی که افراد آرا و افکار دیگران را نقد و بررسی می‌کنند، باید این نقد را به آنان منتقل نمایند چراکه این عمل موجب رشد اجتماعی افراد می‌شود. در سایه نقد و بررسی و تفکر انتقادی است که افراد به مرور می‌آموزند که اختلاف سلیقه، نظر و فکر، یک امر ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و این امر، خود زمینه‌ساز رشد آنان می‌گردد؛ در پرتو تفکر انتقادی افراد یاد می‌گیرند که به‌طور صحیح با دیگران و نظراتشان برخورد کنند و به آنان احترام بگذارند و در عین حال با حفظ فرهیختگی به نقد نظریات آنان مبادرت ورزند و هیچ اندیشه‌ای را اندیشه نهایی و یا به‌صورت مطلق، صحیح تصور نکنند و از استبدادزدگی و رشد تفکرات اثبات‌گرایانه جلوگیری کنند (نصرآبادی، نوروزی و حبیبی، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

بنابراین تفکر انتقادی را بایستی به‌عنوان یک فرایند درونی دانست که به موجب آن، وضعیت مشکل‌زای زندگی به‌طور نقادانه تجزیه و تحلیل و راه‌های برون‌رفت از مشکل، به‌طور خردمندانه تشخیص داده می‌شود. تفکر انتقادی مردم را دربارهٔ پیش‌فرض‌هایشان به تفکر و تأمل وامی‌دارد و ذهن آنها را به ذهنی پرسش‌گر بدل می‌کند. در واقع وقتی اعضای یک جامعه دارای تفکر انتقادی باشند و به‌صورت منطقی و مبتنی بر استدلال و نقدپذیری با همدیگر مبادله اجتماعی داشته باشند در نتیجه چنین جامعه‌ای از لحاظ فرهنگی و اجتماعی رشد بیشتری می‌کند.

### جایگاه تفکر در جهان‌بینی اسلامی

#### ۱. تفکر در جهان‌بینی اسلامی (در قرآن کریم)

در واقع، تفکر، نوعی تلاش و پویش است که به هنگام رویارویی انسان با معماها، در وی جریان می‌گیرد؛ خواه این معماها سراب باشند و سری را گرم کنند و خواه گرهی در کار باشند و گشودن آنها در عمل، سودمند افتد و یا آنکه فراتر از این دو، پرده‌ای بر روی راز و یا حقیقتی باشند که با گشودن‌شان، بصیرت و وسعتی در آدمی جای گیرد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

علامه طباطبایی رحمته‌الله در تفسیر المیزان در باب معنای لغوی عقل چنین می‌نویسد: «کلمه عقل، در اصل لغت به معنای بستن و گره زدن است؛ لذا طنابی را که با آن پا و یا زانوی شتر را می‌بندند، عقل می‌گویند» در قرآن فعل «تعقلون» ۲۴ مرتبه، فعل «یعقلون» ۲۲ مرتبه، فعل «یعقل» ۱ مرتبه، فعل «نعقل» ۱ مرتبه و بالأخره فعل «عقلوه» نیز ۱ مرتبه به‌کار رفته است. در مجموع مشتقات فعلی عقل، ۴۹ مرتبه، در قرآن به‌کار رفته است (علامه طباطبایی، ق ۱۴۱۷، ص ۵۵).

عقل، عبارت است از قوه ادراک خیر و شرّ و سبب تمییز میان آن دو. به وسیله عقل می‌توان اسباب امور را شناخت و به آنها معرفت پیدا کرد و همچنین به چیزهایی که به عقل منجر و یا از دستیابی به عقل مانع می‌شود، معرفت یافت و عقل بدین معنا، ملاک تکلیف ثواب و عقاب است (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۳).

اسلام، دینی است که نه تنها با نیروی قدرت تفکر مخالفت نکرده، بلکه در همه زمینه‌ها از آن یاری خواسته و به شکل خاص بر آن تکیه کرده است و البته ارزش واقعی اسلام، در همین جا مشخص می‌شود. در حالی که دیگر ادیان، قوه تفکر انسان را حتی در جزئی‌ترین مسائل، راکد نگه داشته‌اند، اسلام آن قدر آن را محترم و آزاد دانسته که حتی درباره اصول عقیدتی خود - که دستیابی و آگاهی به آنها بر همگان مفروض است - نه تنها تقلید و تعبد را ناکافی و مردود خوانده، بلکه خوان تفکر انسان را نیز در ساحت آن گسترده و الزام داشته است که هر فردی، مستقل، صحت آنها را دریابد (زاهد غیاثی، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

عقل و نیروهای عقلانی، یکی از جنبه‌هایی است که در تعلیم و تربیت اسلامی توجه بسیار بدان شده است. اگر عقل، دانسته‌های بیرونی را تجزیه و تحلیل نکند و آن را به مثابه مواد خام برای دستیابی به یافته‌های جدید به کار نگیرد، بازدهی چندانی نخواهد داشت. یعنی علم، زمانی سودمند و ثمربخش است که در سایه عقل و استنباط حرکت کند و به مقصود برسد. در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به عقل و پرورش آن، جایگاه والایی دارد. آیات قرآن مجید با الفاظ و تعابیر مختلف، کلام معصومان (علیهم‌السلام) و گفتار دانشمندان، مؤید این ادعاست. به همین سبب آیات متعدد با مضمون‌های گوناگون، انسان را به خردورزی، تدبیر و عقل‌گرایی فرا می‌خواند (کلینی، ۱۳۴۳، ج ۱، باب عقل و جهل، روایت ۲۴).

قرآن کریم مهم‌ترین توصیه‌ها را در مورد اندیشه‌ورزی به انسان‌ها دارد؛ حتی هنگامی که به انسان سفارش می‌کند به پدر و مادرش نیکی کند، بی‌درنگ هشدار می‌دهد که حتی در مقابل پدر و مادر هم باید تفکر انتقادی داشته باشد و حتی از آنها نیز کورکورانه اطاعت نکند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و به ما آدمی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند و اگر آنها (خود مشرک باشند و) بکشند تا تو به من (که خدای یگانه‌ام) از روی جهل و نادانی شرک آوری، هرگز اطاعت امر آنها مکن؛ که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش هر عمل که به جای آورده‌اید، آگاه می‌گردانم» (عنکبوت، ۸).

این پیام، جوهر اصلی تفکر انتقادی است. این جوهر، عبارت است از بررسی صحت، دقت و ارزش دانسته‌ها به گونه‌ای که می‌کوشد انسان را چنان تربیت کند که به پیام توجه کند و به تحلیل آن پردازد و جایگاه و مرتبه گوینده پیام، مانع از تفکر انتقادی نباشد (میرلو، ۱۳۸۶، ص ۱).

در شیوه تربیتی اسلام، آزادی بحث و انتقاد حتی درباره مسائل مذهبی، از ویژگی‌های منحصر به فرد مکتب اسلام خوانده می‌شود. با این حال، شیوه تربیتی اسلام برخلاف شیوه تربیتی بسیاری از مکاتب، با سرمشق قرار دادن روحیه تسامح و تساهل، به پاسخ‌گویی این شبهه‌ها می‌پرداخت، بدون اینکه اهانتی به پرسش‌کننده شود.

مناظره‌ها و مباحثه‌های بسیاری، همچون مناظره امام صادق (علیه السلام) و طیب هندی؛ مباحثه امام صادق (علیه السلام) و ابوشاکر که امام را به فریب دادن مردم با افسانه متهم می‌کرد، مباحثه امام صادق (علیه السلام) با جابر بن حیان و موارد دیگر، همگی بیان‌کننده این مطلب است که شیوه تربیتی اسلام، به هنگام موضع‌گیری انتقادی در برابر اصول و فروع دین، تنها پاسخ‌گفتن به شیوه استدلال عقلی همراه با احترام و متانت است. دلیل این امر نیز آشکار است و در واقع از دینی که مبنای رسالت پیامبرش دعوت مردم بر پایه حکمت و پند نیکو است، جز این انتظار نمی‌رود. قرآن می‌فرماید: «(ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت و با بهترین طریق، با اهل جدل مناظره کن (وظیفه تو بیش از این نیست) که البته خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده و آنان را که هدایت یافته‌اند، بهتر می‌داند» (نحل، ۱۲۵؛ غاشیه، ۲۱-۲۲).

پس اسلام برای تداوم حیات خویش نیز نمی‌تواند جز بر طریق استدلال و خردورزی گام بردارد (میرلو، ۱۳۸۶، ص ۲).

افزون بر آیات قرآن، احادیث نیز مردم را به تفکر دعوت می‌کنند، تا آنجا که یک ساعت اندیشیدن در خیر و صلاح، از هزار سال عبادت بهتر است: «فِكْرُهُ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۱، ص ۳۲۶).

در زمینه آموزش تفکر در اسلام، اندیشمندان اسلامی ضمن آنکه سفارش می‌کنند اندیشه و علم، دو عنصر اساسی زندگی فردی و اجتماعی است، به پرورش نیروی فکر و آموختن علم، متناسب با توانایی‌های افراد توجه دارند. اندیشمندان اسلامی در آموزش دینی با الهام از آموزه‌های قرآن، تأکید فراوانی بر ارزش تفکر دارند و معتقدند تربیت اسلامی، همه توان خود را در راه رشد و تعالی اندیشه آدمی به کار گرفته است. بنابراین اسلام به اندیشیدن توجه کامل دارد و در موارد متعدد، مردم را به تفکر دعوت کرده است، به گونه‌ای که می‌توان اسلام را طرفدار تفکر و تعقل خواند (سلطان‌القرائی و سلیمان‌نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۴).

قرآن مجید در موارد گوناگون به تفکر توجه کرده است. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: قرآن کریم به شکل‌های مختلف، جایگاه بلند اندیشمندان و دانشمندان را یادآوری کرده است: آیا آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است، بهتر است یا آن کس که ساعات شب را در طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت، ترسان و به رحمت الهی امیدوار است؟

بگو آیا آنان که اهل علم و دانش اند با مردم جاهل و نادان یکسان اند؟ منحصرأً خردمندان متذکر این مطلب اند (زمر، ۹).

قرآن کریم در سوره مجادله آیه ۱۱ می فرماید: «ای اهل ایمان، هرگاه شما را گفتند که در مجالس خود جای را (بر یکدیگر) فراخ دارید، جای باز کنید (و برای نشستن مکان بالاتر و نزدیک تر به پیغمبر تنازع و تزاخم نکنید) تا خدا بر توسعه (مکان، مقام و منزلت) شما بیفزاید و هرگاه گفتند که از جای خود (برای توسعه مجلس یا کار خیر دیگری) برخیزید، برخیزید، تا خدا مقام اهل ایمان و دانشمندان شما را (در دو جهان) رفیع گرداند و خدا به هر چه کنید، به همه آگاه است».

آیاتی نیز در قرآن، انسان را به اندیشیدن در آفرینش و تفکر در خودشان دعوت کرده است که به برخی از آنان اشاره می کنیم:

«آنها که در هر حال، ایستاده و نشسته و خفته خدا را یاد کنند و دائم در خلقت آسمان و زمین بیندیشند و گویند: پروردگارا، تو این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده ای، پاک و منزهی، ما را به لطف خود از عذاب دوزخ نگهدار» (آل عمران، ۱۹۱).

بسیاری از آیات، بدون اینکه با صراحت، مردم را به تفکر دعوت کند، استدلال عقلی می آورد و بدون آنکه اعتبار تعبدی خود را لحاظ کند، با منکران احتجاج می کند:

«آیا باز خواهند گفت که او پیش خود این سخنان (قرآن) را فرا بافته؟ بگو: اگر چنین باشد، عقوبت آن گناه بر من است (نه بر شما) و من از (کفر و) گناه شما بیزارم» (هود، ۳۵).

«اگر در آسمان و زمین غیر از خدای یکتا خدایانی وجود داشت، همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می یافت، پس (از نظم ثابت عالم) بدانید که پادشاه ملک وجود، خدای یکتاست و از توصیف و اوهام مشرکان، پاک و منزّه است» (انبیاء، ۲۲).

آیاتی نیز در تشریح احکام الهی، در بسیاری از موارد فلسفه احکام را بیان می کند. تا مردم از روی بینش، از آن پیروی نمایند:

«(ای رسول ما) آنچه را از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) به جای آر، که همانا ذکر خدا بزرگ تر (و برتر از حد اندیشه خلق) است و خدا به هر چه (برای خشنودی او و به یاد او) کنید، آگاه است» (عنکبوت، ۴۵).

«ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید، چنان که بر امم گذشته فرض شده بود و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید» (بقره، ۱۸۳).

«ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید، صورت و دستها را تا مرفق (آرنج بشوی) و سر و پاها را تا بر آمدگی پا مسح کنید و اگر جُنُب هستید، پاکیزه شوید» (غسل کنید) و اگر بیمار



یا مسافرید، یا یکی از شما را قضای حاجتی دست داده و آب نیابید، در این صورت به خاک پاک و پاکیزه‌ای روی آرید و به آن خاک، صورت و دست‌ها را مسح کنید (تیمم کنید). خدا نمی‌خواهد هیچ‌گونه سختی برای شما قرار دهد، ولیکن می‌خواهد تا شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند، باشد که شکر او را به جای آرید» (مانده، ۶).

خداوند در ده‌ها آیه، نشانه‌های خود را با هدف به تفکر واداشتن مردم بیان می‌کند و جالب اینکه آخرین قسمت بسیاری از آیات قرآن، دعوت به تفکر یا تعقل یا تذکر است. بدین ترتیب گاه می‌گوید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ بدون شک در اینها برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌ای است»، تا آنجا که می‌فرماید:

و هم زراعت‌های شما را از آن آب باران برویاند و درختان زیتون و خرما و انگور و از هرگونه میوه بی‌رورد. همانا در این کار، آیت و نشانه‌ای (از رحمت و قدرت الهی) بر اهل فکرت پدیدار است و سپس از انواع میوه‌های شیرین (و از حلاوت و شهد گل‌های خوشبو) تغذیه کن و راه پروردگارت را به اطاعت پیوی. آنگاه از درون آن، شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید که در آن شفای مردمان است. در این کار نیز آیتی (از قدرت خدا) برای متفکران پیداست (نحل، ۶۹).

گاه نیز می‌گوید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، آنجا که می‌خوانیم: «و اوست خدایی که بساط زمین را بگسترده و در آن، کوه‌ها بر افراشت و نهرها جاری ساخت و از هرگونه میوه یک جفت پدید آورد و شب تار را به روز روشن بپوشاند. همانا در این امور، متفکران را دلایلی روشن (بر قدرت آفریدگار) است» (رعد، ۳).

همچنین گاه می‌گوید: «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ»؛ خدای این چنین آیات را برای شما بیان کرد، شاید فکر کنید»، در این آیه‌ها:

«(ای پیغمبر) از تو حکم شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در این کار دو گناه بزرگی هست و سودهایی برای مردم، ولی زیان گناه آن دو، بیش از منفعت آنهاست و نیز سؤال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند؟ جواب ده: آنچه زائد (بر ضروری زندگانی) است. خداوند بدین روشنی، آیات خود را برای شما بیان کند، باشد که تفکر کنند و عقل خود را به کار بندید» (بقره، ۱۹).

«و اگر می‌خواستیم، به آن آیات او را رفعت مقام می‌بخشیدیم، لیکن او به زمین (تن) فرو ماند و پیرو هوای نفس گردید و در این صورت، مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر به او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری، به عوعو زبان کشد. این است مثل مردمی که آیات ما را بعد از علم به آن، تکذیب کردند. پس این حکایت بگو، باشد که به فکر آیند» (اعراف، ۱۷۶).

گاه نیز همین جمله را به صورت رؤیا برای شما بیان می‌کند، شاید اندیشه کنید: «آنان که با زنان

خود ایلاء کنند (بر ترک مباشرت آنها قسم بخورند)، چهار ماه انتظار کشند، اگر (از قسم خود) بازگشتند، خداوند آمرزنده و مهربان است» (بقره، ۲۲۶).

تفکر در چیزهایی که خداوند در قرآن به آنها دعوت کرده، عبارتند از:

الف) تفکر و اندیشه انسان در خویش که چگونه خلق شده و خلقت او از چه دقت و ظرافتی و از چه قوت و ضعفی برخوردار است. قرآن می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ؛ آیا آنان در وجود خویش اندیشه نمی‌کنند؟»؛

ب) تفکر در کره‌های فضا و خلقت گردش فاصله آنها که بدون شک اندیشیدن در این امور، دانش و فرهنگ انسان را بالا می‌برد و رشد می‌دهد و خداوند این امر را از صفات انسان‌های مؤمن می‌خواند؛

ج) اندیشیدن در مورد گذشتگان (جوامع و افراد موفق و یا شکست خورده) خود، درس فراموش نشدنی و سازنده است. پروردگار به رسولش حکایت آنان را بیان می‌کند و سپس امید ایجاد تفکر در شنوندگان را ایجاد می‌نماید: «فَأَقْصِبْ قَلْبُكَ مِنَ الْغَايِبِ أَتَنْفَكِرُونَ؟ حکایت کن داستان و قضایای گذشتگان را؛ شاید به تفکر و اندیشه بنشینند. نگاه کنید عاقبت دروغ‌گویان چگونه است؟» (زاهد غیاثی، ۱۳۸۰، ص ۳۲).

افزون بر آیات قرآن، احادیث نیز مردم را به تفکر فرا می‌خواند و تفکر را حتی به‌عنوان یک عبادت، بلکه بهترین عبادت‌ها معرفی می‌کند. برای مثال: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «نبه بالتفکر قلبک و جاف عن الیل جنبک و اتق الله ربک؛ به وسیله تفکر، قلبت را بیدار کن و در شب، پهلویت را از بستر جدا ساز و تقوای پروردگارت را پیشه ساز» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۰).

مطالب بیان شده نشان می‌دهد که در روایات اسلامی، بیش از آنچه تصور می‌شود، به گوهر خرد بها داده شده و از آن به‌عنوان دین، راهوارترین مرکب و بهترین دوست و بالأخره معیار و میزان برای تقرب الی الله و کسب پاداش معرفی شده است.

در جهان‌بینی اسلامی در باب تفکر، روایات فراوانی از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده که به نقش بسزای تفکر در حیات مادی و معنوی انسان اشاره دارند.

امام علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن مجتبی علیه السلام، در باب اهمیت تفکر فرمود: «لا عِبَادَةَ كَالْتَّفَكْرِ فِي صَنْعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ عبادتی مانند تفکر در مخلوقات خداوند عزوجل نیست» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۶۸، ص ۳۲۴). همچنین فرمود: «لا علم کالتفکر؛ یعنی هیچ دانشی هم‌سان تفکر نیست» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۸۷).

با توجه به آیات و روایات یاد شده این چنین استنباط می‌شود که به وسیله تفکر، حالات باطنی

تقویت می‌شود و قدرت‌های روحی انسان آشکار می‌شود؛ زیرا فکر پرورش‌دهنده و تکامل‌بخش روح است. فکر و اندیشه، راهی مستقیم به سوی حقایق جهان هستی است، و در صورتی که فکر در پیرامون مسائل معنوی تداوم یافته و طولانی شود، ناخود آگاه انسان را به سوی معنویت می‌کشاند. در فکر نیروی جاذبه‌ای وجود دارد که شخص متفکر را به مسئله‌ای که درباره آن می‌اندیشد، پیوند می‌زند. براساس وجود این نیروی انسانی که درباره خوبی‌ها و یا بدی‌ها می‌اندیشد، و تفکر او تداوم می‌یابد کم‌کم به سوی خوبی‌ها و یا هرچه درباره آن فکر می‌کند جذب می‌شود و آنها نیز به سوی او روی می‌آورند. این حقیقتی است که در روایات و فرمایشات خاندان وحی به آن تصریح شده است.

## ۲. جایگاه اندیشه و تفکر انتقادی در اسلام

آیات قرآن مجید با الفاظ و تعابیر مختلف، کلام معصومان (علیهم السلام) و گفتار دانشمندان اسلامی در نوشتارهایشان مؤید جایگاه اندیشه و تفکر انتقادی است. به همین سبب آیات متعدد با مضمون‌های گوناگون، انسان را به خردورزی و عقل‌گرایی، دعوت و تربیت انسان را با مبنا و اساس تعقل و تفکر پایه‌ریزی می‌کنند. برای مثال، قرآن کریم در سوره بقره آیه ۱۶۴ می‌فرماید: «به راستی در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌ها که بر روی آب، برای بهره‌برداری خلق در حرکت است و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا به آن آب، زمین را بعد از مردن زنده کرد و سبزه و خرم گردانید و در پراکندن انواع حیوانات در زمین و گردانیدن بادها (به هر طرف) و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است، در همه این موارد، ادله‌ای برای عاقلان هست».

بدین ترتیب می‌بینیم که آیات مختلف قرآن، ناظر به تشویق، ترغیب و توجه دادن افراد به خردورزی است. در باب پرورش عقلانی، از پیشوایان معصوم (علیهم السلام) نیز سخنان گهربار بسیاری در این باره ثبت شده است (سلطان القرائی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۹).

با توجه به اهمیت و جایگاه اندیشه در اسلام، تقلید کورکورانه و بدون پشتوانه عقلی، بارها در قرآن زشت خوانده شده است و کسانی که از روی لجاجت به شیوه اجداد خویش رفتار می‌کنند و اسیر تقلید هستند، نکوهش شده‌اند. چنان‌که در سوره زخرف آیه ۲۳ می‌خوانیم: «و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم، جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آئین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد».

از بررسی این آیه درمی‌یابیم که آنها بدون نگرش انتقادی و تنها از روی تعصب، آئین پدرانشان را پذیرفته‌اند، در حالی که آزادی بحث و انتقاد حتی درباره مسائل مذهبی، از ویژگی‌های منحصر

به فرد مکتب اسلام است. مخالفان دین اسلام، در حوزه نظر با حفظ آداب مباحثه و مناظره، آزاد بودند که هر پرسشی را مطرح کنند و این پرسش‌ها حتی شامل تشکیک در اصول دین نیز می‌شد؛ اما شیوه تربیتی اسلام برخلاف شیوه تربیتی بسیاری از مکتب‌ها، با سرمشق قرار دادن روحیه تسامح و تساهل، به پاسخ‌گویی این شبهه‌ها می‌پرداخت، بدون اینکه اهانتی به پرسش‌کننده شود. با توجه به جایگاه ارزشمند خردورزی و تفکر عاقلانه در اسلام می‌توان با کمی کاوش در قرآن و نیز احادیث و روایات اسلامی، به جایگاه تفکر انتقادی در اسلام پی برد.

### ۳. ویژگی‌های تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

در این راستا به منظور تبیین ویژگی‌های تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)، بر ما لازم است که نخست ویژگی‌های تفکر انتقادی را روشن و در ادامه، ارتباط این خصیصه‌ها با سخنان آن بزرگوار را تصریح کنیم.

هالپرن<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) تفکر انتقادی را استفاده از مهارت‌ها و استراتژی‌های شناختی می‌داند که احتمال دستیابی به نتایج دلخواه و مطلوب را می‌افزاید، «تفکر انتقادی» ساختن معنا و مفهوم و یک کار چند مرحله‌ای است. در حقیقت یک کار عقلانی و منطقی است که از پیشرفت سطح بالای تفکر دانش‌آموزان به دست می‌آید (والبرگ، ۱۹۹۱، ص ۲۱). برای یادگیری مهارت‌های «تفکر انتقادی» فراگیران نیازمند رفتارهای زیر هستند: ۱. مشخص کردن موضوعات؛ ۲. مشخص کردن روابط بین عناصر؛ ۳. قیاس دلایل؛ ۴. استنباط انگیزه‌ها؛ ۵. ترکیب عناصر وابسته برای خلق الگوی جدید افکار (خلاقیت) (مایرز، ۱۳۷۴، ص ۱).

از نظر امام علی (علیه السلام) اندیشه، آینه‌ای شفاف و خوش‌منظر است (دشتی، ۱۳۸۵، حکمت ۵) بنابراین ویژگی‌های تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) را می‌توان در حیطه‌های فردی و اجتماعی در مقوله‌هایی مطالعه کرد که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

#### تعقل همراه با تدبیر

پایه و اساس وجودی انسان وابسته به عقل و خرد است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «پیش از اینکه عزم نمایی، اندیشه کن و پیش از اینکه اقدام کنی، مشورت کن و پیش از اینکه وارد شوی، تدبیر کن» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵۳). اگر بخواهیم تعریفی کارکردی از تعقل همراه با تدبیر و غفلت در کلام امام (علیه السلام) ارائه کنیم، باید بگوییم تعقل فرایندی است ناظر

1. Halpern

2. Walberg

به نوعی عاقبت اندیشی و غفلت متضمن نوعی بی‌توجهی نسبت به عاقبت امور. از این‌رو، پدیده تعقل با عنایت به هدف و پایان کار و ترسیم میزان سود و زیان آن، اقدام به گزینش و انجام عمل می‌کند؛ ولی در موضع غفلت عنایتی نسبت به سرانجام کار و نتیجه آن وجود ندارد، بلکه بیشتر تمرکز بر وضعیت کنونی است. با نگاهی اجمالی به کلام امام (علیه السلام) در می‌یابیم که توجه ویژه‌ای به عوامل مزبور و اجتناب از عوامل غفلت‌زا شده است. این امر تا آنجا پیش رفته است که توجه به آن در تمام حالات و تک‌تک اعمال باید رعایت شود. عاقبت اندیشی و لزوم ترجیح فواید نهایی حتی به قیمت فروگذاری لذت‌های آنی و مقطعی مستلزم آخرت اندیشی و انجام عمل و پرهیز از خیال‌پروری است و بالعکس غفلت، متضمن دنیاگرایی و خیال‌پروری و اجتناب از هرگونه پایداری و شکیبایی است. عوامل اساسی که شناخت و تأکید بر آن در پرورش بینش و ایجاد امکان بیشتر تعقل‌ورزی همراه با تدبیر در دیدگاه امام علی (علیه السلام) به خصوص در نهج البلاغه به آن اشاره شده است، عبارتند از:

الف) اندیشه و آفات آن (دشتی، ۱۳۸۵، حکمت ۲۱۵)؛ ب) اندیشه و تعقل در آیات عذاب (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰، خطبه ۱۹۳)؛ ج) بینش و توجه به عوامل تقویت‌کننده آن (همان، خطبه ۱۸، ۹۹، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۴۷ و ۲۲۱) (توجه به قرآن، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، احادیث، تاریخ و آثار گذشتگان)؛ د) موانع بینش (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰، خطبه ۲۰، ۸۹، ۹۳، ۱۰۹ و ۱۶۴ و نامه ۶۵، خطبه ۱۴۷، ۱۵۴ و ۲۳۰) (وابستگی‌ها و سمت‌گیری‌های عاطفی، حجاب‌های مادی، فتنه‌های اجتماعی)؛ هـ) آثار بینش و بصیرت (حرکت معقول و سنجیده، گرایش سالم، شهادت و خطرپذیری، زهد، استقبال از مشکلات، بدعت‌گریزی و قاطعیت (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰، خطبه ۱۰۵، ۱۵۴، نامه ۱۰ و ۶۲)؛ و) آثار دوران‌اندیشی امری که موجب تعادل و میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط می‌شود (همان، حکمت ۱۸۱).

امام علی (علیه السلام) همواره در سخنان خود، بر استفاده انسان از قوه تعقل در همه مراحل زندگی و بیان و فهم مطالب از طریق استدلال متقن و محکم و عقل‌پسند، چنین تأکید می‌فرمود: «تدبیر با تعقل، مانند دیدن با چشمان نیست؛ زیرا گاهی چشمان به مقتضیات ساختار و موضع‌گیری بیننده، خلاف واقع را نشان می‌دهد، در صورتی که عقل، کسی را که از آن پندی بخواهد، فریب نمی‌دهد» (دشتی، ۱۳۸۵، حکمت ۲۸۱) بر این مبنا یکی از ویژگی‌های ممتازی که حضرت علی (علیه السلام) برای تفکر انتقادی مطرح می‌سازد، تعقل همراه با تدبیر است، به گونه‌ای که وی چاره‌کارها را به رأی و چاره رأی را به فکر و تأمل باز می‌گرداند، آنجا که می‌فرماید: «التدبیرُ بالرأی وَالرّی بِالْفِکْرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۵۶).

بنابراین در ویژگی تعقل همراه با تدبیر، همه اجزای یک موقعیت با دیدی جامع مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند، و سوء برداشت‌ها، ارزش‌ها و در واقع براساس سیره حضرت علی (علیه السلام) در فرایند تعقل همرا با تدبیر، افراد براساس توجه به حقایق پیش‌زمینه‌ای، پیامدهای گزینه‌های مختلف، بررسی اصول رایج فکری و منطقی، دلایل آشکار و پنهان مباحث تحلیل و نتیجه‌گیری می‌کنند و تعقل توأم با تدبیر، انسان را در میان موجودات برتر نموده و راه پویایی و تکامل را برای وی مهیا نموده است.

### صبر و مطالعه پیوسته

بی‌تردید اگر فردی بخواهد در مسائل مختلف صاحب‌نظر و نقاد باشد، باید درباره آن مسائل، اطلاعات علمی تازه‌تری نسبت به دیگران داشته باشد. در واقع همان‌گونه که بدن انسان برای فعالیت‌های مختلف به انرژی و تغذیه کافی نیازمند است، عقل و اندیشه آدمی نیز برای تدبیر عمیق و نقادانه در کارهای مختلف، به حکمت‌های تازه، روش‌های نوین و صبر نیاز دارد. امام علی (علیه السلام) درباره یکی از زمینه‌های ایجاد تفکر انتقادی در افراد، مطالعه در دانش‌های جدید و نظریه‌های تازه را پیشنهاد می‌کند و می‌فرماید: «دل‌ها همانند پیکرها به ستوه آیند؛ پس برای آنها حکمت‌های تازه بخواهید» (مجلسی، ۱۳۷۲، ص ۶۱ و ۶۷)

خداوند می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ هر که در پاکی نفس کوشید، به فلاح رسید و هر که در پلیدی‌اش فرو پوشید، تباہ و نومید شد» (شمس، ۹ و ۱۰). بنابراین باید از روش‌های تزریقی و تلقینی محض پرهیز کنیم و فرصت‌هایی برای خودشکوفایی و خودباوری بیافرینیم. رسول خدا ﷺ فرمودند: «صبر، بهترین مرکب سواری است؛ خداوند هیچ بنده‌ای را بهتر و گسترده‌تر از صبر روزی نداده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص ۴۶۱).

یکی از شاخص‌های دیگر تفکر انتقادی، صبر و استقامت و پایداری است که توجه به این شاخص هم از سوی مربی و هم از سوی متربی ضرورت می‌یابد. کلید اصلی پیروزی‌ها، صبر و شکیبایی است و از آنجا که دین مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهاست، اطاعات و ترک گناهان، بدون صبر و استقامت، بقا و دوامی ندارد. از این‌رو، در بعضی از احادیث اسلامی (از جمله حدیثی از امیر مؤمنان (علیه السلام) نقل شده است که، صبر و ظفر، قرین هم شمرده شده‌اند که به واسطه صبر، ظفر می‌آید، «الصبر الظفر، صبر مساوی با پیروزی است!» (خوانساری، ۱۳۶۰، حدیث ۲۱۴). حدیثی از علی (علیه السلام) نقل شده است: «من ركب مراكب الصبر اهتدى الى ميدان النصر؛ کسی که بر مرکب صبر و شکیبایی سوار شود، به میدان پیروزی پای می‌نهد» (نعمه، بی‌تا، ص ۵۸). در اهمیت صبر، همین بس که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) این فضیلت را از اوصاف متقین و موقعیت صبر را در برابر

ایمان، همانند موقعیت سر نسبت به بدن می‌دانند و می‌فرمایند: «صبر پیشه کنید! زیرا صبر برای ایمان همچون سر برای بدن است و هیچ خیری در بدن، بدون سر نیست و هیچ خیری در ایمانی که صبر با آن نیست نمی‌باشد» (دستی، ۱۳۸۵، کلمات قصار، حکمت ۸۲). در حدیث نبوی آمده است: «لا ایمان لمن لا صبر له؛ کسی که صبر و استقامت ندارد، ایمان او پایدار نخواهد ماند» (نراقی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۸). صبر، وسیله رسیدن به همه سعادت‌ها و خوشبختی‌هاست و انسان بدون آن به هیچ مقامی در دنیا و آخرت نمی‌رسد. در واقع، با دور نگه داشتن افراد از مسائل و مشکلات، امکان ایستادگی و مقاومت را در آنها از بین می‌برد. مقاومت و اصطکاک، تنها با رویارویی رخ می‌دهد و رشد می‌کند. حصاربندی به منزله خط مشی اسلامی تربیت، آسیب‌پذیری را در افراد رشد می‌دهد (باقری، ۱۳۸۰، ص ۵۶).

بنابراین از این ویژگی تفکر انتقادی استنتاج می‌شود که، برای رسیدن به ظرفیت بالای تفکر انتقادی، افزون‌بر تحمل سختی فراوان، انسان باید برای مدت زمانی طولانی صبر کند تا به نتیجه برسد و به‌طور جامع همه اطلاعات موقعیتی را بررسی نموده و به‌طور منتقدانه و با صبر و پشتکار مطالب را بررسی و به سؤالات پاسخ می‌دهند. صبر و تحمل نتیجه مقایسه میان دو گزینه است و بدیهی است انسان عاقل و دارای تفکر انتقادی، گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که با توجه به شرایط موقعیتی، پیامدهای آینده‌محور منطقی‌تر باشد و در واقع طبق فرمان‌های اسلام و حضرت علی (علیه السلام) ایمان با عقل سالمی پدید می‌آید که همیشه راه درست و شایسته را انتخاب کند و مصداق این روایت است که خداوند در پاداش به انسان‌ها، به ایمان و عقل آنها می‌نگرد (مغنیه، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۲۰). از منظر حضرت علی (علیه السلام) اگر انسان با صبر در برابر نفس سرکش و هوس‌ها و زرق و برق دنیا، جاذبه‌های گناه، ایستادگی و صبر کند. به یقین پیروز خواهد شد و زمانی که صبر فرمانده و هدایت‌گر افکار و اعمال انسان در بررسی و ارزیابی مسائل باشد به رهایی رسیده و فارغ از وابستگی و تعلق به دنیا دست به قضاوت و استدلال منطقی می‌زند.

### تقوای حضور

هدف تربیت دینی، برانگیختن شوق و رغبت به خداپرستی و پی بردن به کارکرد لذت بخش دین است. در این نوع تربیت، تکیه بر خودجوشی، خودانگیختگی، خودیابی و خودرهبری فرد است، تا از این طریق به مقصود نهایی که همان کمال مطلوب است، دست یابد.

از این‌رو منشأ تربیت دینی، فرایندی با انگیزش درونی است و ایمان راستین را نمی‌توان به‌صورت «تحکمی» و «ساختگی» پدید آورد، بلکه باید زمینه‌ای فراهم کرد که فرد بتواند آن را از درون احساس

کند و با آموزه‌های دینی آن را پرورش دهد و فعال نماید. در تربیت دینی تأکید بر این است که «اصولاً هیچ کار اختیاری بدون یک نیت و انگیزه انجام نمی‌گیرد». از آن گذشته، ارزش رفتار فرد، به انگیزه‌ای بستگی دارد که وی در سر پرورنده است تا آنجا که گفته‌اند انگیزه انسان دینی و ایمانی، از رفتار او با ارزش تر می‌باشد. «اگر در عملی «نیت» نباشد یا نیت صحیحی نباشد، آن عمل موجب کمالی برای نفس نخواهد بود...» (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). در نهج البلاغه در کلمات قصار، جمله‌ای به این معنا آمده که: «فأتوها من قبل شهوتها و اقبالها؛ کوشش کنید دل‌ها را از ناحیه میل آنها پرورش بدهید، به زور و ادارشان نکنید» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۵۸). حاصل تقوای حضور، تحول و التزام درونی است. تربیت دینی باید بتواند افراد را به‌گونه‌ای پرورش دهد که بدون اعمال نظارت و کنترل از بیرون و در متن جامعه، تقوا را پیشه خود سازند. اصولاً استقلال دینی چیزی جز همان تقوا، که موجب کرامت و برتری انسان در نزد خدا می‌شود نیست. به تعبیر امام علی (علیه السلام): «تقوا مایه اصلی آزادی‌هاست و نه قید و بند درست کردن برای انسان» (دشتی، ۱۳۸۵، خ ۱۴۸). تقوا به نوبه خود، منجر به نوعی توانمندی شناختی و معرفتی در انسان می‌شود، معرفتی که حاصل روشن‌شدگی درونی است و در قرآن تحت عنوان «فرقان» یعنی قدرت تشخیص و تمیز بین حق و باطل آمده است (انفال، ۲۹). در این حالت، دیگر نیازی به تدوین قوانین و قید و بندهای مداوم برای کنترل افراد نیست، زیرا منبع این کنترل در درون افراد رشد یافته و با انگیزه و تمایل شخص صورت گرفته است. مهارت تفکر انتقادی پشتوانه و مکمل تقوای حضور می‌باشد؛ چراکه لزوم حضور غیرانفعالی، ارزیابی اطلاعات و رویدادها می‌باشد. این امر نیز زمانی تحقق می‌یابد که فرد از روحیه‌ای نقادانه برخوردار باشد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۷۸).

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند شما را به تقوا سفارش کرده و آن را آخرین مرحله خشنودی و خواست خویش از بندگان قرار داده است؛ وَ أَوْصَاكُمْ بِالتَّقْوَى، وَ جَعَلَهَا مُنْتَهَى رِضَاةٍ، وَ حَاجَتَهُ مِنْ خَلْقِهِ» (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۱۸۲).

حضرت علی (علیه السلام) در روایت و آیات مختلف بر نقش محوری تقوای حضور در تسهیل درک و مفهوم منطقی و تحقق اعمال صحیح صحبت کرده‌اند به‌عنوان نمونه؛ امام علی (علیه السلام) فرمودند: «آن که تقوا را پوشش دلش قرار داد، راه یافت». (محمدری شهری، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱). و نیز در جایی دیگر کسب تقوا و پارسایی را به کاشت درخت تشبیه فرموده که ثمره آن چیزی جز هدایت الهی نیست: «آن که نهال‌های تقوا کاشت، میوه‌های هدایت چید». (همان). کوتاه سخن اینکه هدایت منطقی تفکر از آثار مترتب بر تقوای حضور است. تقوا نگه‌دارنده انسان پرهیزگار از افتادن در سیاهچال شبهات (به‌عنوان یکی از موانع تفکر انتقادی) است؛ امام علی (علیه السلام) پس از اینکه در مدینه با او بیعت شد، چنین فرمودند: «آنچه می‌گویم، بر عهده می‌گیرم و خود، بدان



ضامنم. آن کس که از عقوبت‌های مقابل دیدگانش عبرت گیرد، تقوا او را از افتادن در شبهه‌ها ننگه دارد» (محمدمدنی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۵۴).

از بررسی این ویژگی تفکر انتقادی این‌گونه استنتاج می‌شود که، حقیقت این است که تقوا احساس مسئولیت از درون است از یک سو زائیده ایمان قوی است و از سوی دیگر سرچشمه اطاعت و پرهیز از گناه است. تقوا به‌عنوان یک مؤلفه ارزشی، می‌تواند به‌عنوان مسیر رسیدن به تفکر انتقادی دنبال شود، و به نیکو ساختن زندگی سازوار با ارزش‌های اسلامی کمک کند و منجر شود که افراد دارای تفکر انتقادی بی‌توجه به فریب‌های دنیای مادی به تفسیر و تحلیل مطالب بپردازند و با مسائل مختلف ارتباطی درونی برقرار کنند، تقوا به‌عنوان یک نقطه محوری در رشد تفکر انتقادی، انسان در معرض گمراهی و غفلت را به خود مراقبتی ترغیب نموده و از انحراف از مسیر فطری جلوگیری می‌کند.

#### ۴. پرسش‌گری

حضرت علی (علیه السلام) معتقد است که شناخت انسان، تنها از راه تعقل صرف حاصل نخواهد شد و برای بهره‌مندی از معرفت حقیقی، نیاز است که انسان به مسائل مختلف، به دیده شک و تردید بنگرد و به صرف پذیرفته بودن دلایل ظاهری مسئله و یا با پذیرش آن از نظر عده‌ای، وی به پذیرش آن مسئله مجاب نشود. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «عَقْلٌ الْقَوْلِ عَلَى قَدْرِ عَقْلِهِ؛ گمان عاقل، گوشه‌ای از عقل اوست» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۲).

پرسش‌گری، ویژگی انسان‌های نقادی است که می‌کوشند بر دانایی خود از طریق جست‌وجو و پژوهش و پرسش بیفزایند. سیره امام علی (علیه السلام) بر این بوده است که مردم را به پرسش کردن تشویق می‌کرد. برای مثال، در یکی از سخنرانی‌های خود در مسجد کوفه خطاب به مردم می‌فرماید: «ای مردم! از من پرسید پیش از اینکه مرا از دست بدهید... پیش از اینکه فتنه‌ای مانند شتر بی‌صاحب پای خود را بلند کند، مهار خود را زیر پا بگذارد و عقول قوم خود را تباہ سازد» (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۱۸۹).

با این حال حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ سَأَلَ فَوْقَ قَدْرِهِ اسْتَحَقَّ الْحِرْمَانَ؛ هر کس پرسشی بالاتر از خود کند، مستحق محرومیت است» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۵، ص ۲۷۸). بنابراین از دیدگاه آن بزرگوار، مرزهای تفکر همیشه باید نگاه داشته شود؛ چه بسا پرسش‌های زیان‌بار که موجب گمراهی فرد و افزایش شک بیهوده وی درباره مسائل مختلف شود و او را از هدف اصلی باز دارد.

امام علی (علیه السلام) در جای دیگر حتی به فراتر از این مسئله اشاره دارد و به اعتقاد وی، شک و تردید فرد عاقل درباره یک مسئله، از یقین جاهل به آن مسئله درست‌تر است. چنان‌که می‌فرماید:

«ظَنَّ الْعَاقِلُ اصْحَاحَ مَنْ يَقِينُ الْجَاهِلُ» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۲۷۴). با این حال حضرت (علیه السلام) توجه بیش از اندازه به شک و تردید در مسائل را رد می‌کند تا جایی که می‌فرماید: «از بدبختی مرد این است که شک، یقین او را فاسد کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۱). پس شک و تردید باید آگاهانه و به اندازه باشد. شک راهبردی، یکی از ویژگی‌های تفکر انتقادی از دید حضرت علی (علیه السلام) است. براساس این ویژگی تفکر انتقادی این‌گونه استنتاج می‌شود، درک و قضاوت منطقی و در نهایت عمل صحیح زمانی به بهترین وجه انجام می‌گیرد که فرد حضوری فعال در امر درک و تحلیل مسائل داشته باشد و بدون آگاهی و کورکورانه مطالبی نپذیرد؛ بلکه در راستای مسئله پرسش‌های عمقی و عاقلانه را طرح کند. سؤال پرسیدن معرف و ویژگی است که در آن دست‌کم فرصت به فرد داده می‌شوند تا خود به کشف امور بپردازد. این ویژگی نتیجه‌گیری را در اختیار فرد قرار می‌دهند و از فرد می‌خواهند که گوش فرا دهند و بکوشند که پرسش‌هایی را که خود مطرح نکرده‌اند و پاسخ‌هایی را که خود پیدا نکرده‌اند بفهمند. در حقیقت این ویژگی می‌کوشد تا به فرد در درک و تحلیل مسائل و در نهایت تصمیم‌گیری درباره امور یک سهمیه بدهند.

##### ۵. موقعیت‌سنجی

واقع‌نگری، هوشیاری و داشتن آمادگی لازم در مواجهه با دیگران، با بهره‌گیری از تجربیات گذشته و در نظر داشتن واقعیات از یک سو و آینده‌نگری و درک صحیح شرایط و موقعیت‌ها از سوی دیگر زمینه مقابله بهتر با مسائل را فراهم می‌کند (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۴۳، ۴۸، ۵۴ و ۱۶۸، نامه ۷۸ و حکمت ۲۹۷).

این ویژگی در تفکر انتقادی لازمه حضور غیرانفعالی، ارزیابی اطلاعات و رویدادهای اجتماعی است. بر این اساس، تربیت دینی همواره باید پدیده‌های نوظهور این عصر را ارزیابی و نقادی منصفانه کند و افراد را برای گزینش و طرد آماده سازد. قرآن کریم، می‌فرماید: «و آنان که از پرستش طاغوت دوری جستند و به درگاه خدا با توبه و انابه بازگشتند، آنها را بشارت و مژده رحمت است، (ای رسول) تو هم بندگان مرا (به لطف و رحمت من) بشارت آر؛ آن بندگان که سخن بشنوند و به نیکوتر آن عمل کنند، آنان هستند که خدا آنها را (به لطف خاص خود) هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت، خردمندان عالم‌اند» (زمر، ۱۷ و ۱۸). استاد مطهری (رحمته الله) در توضیح این آیه می‌نویسد: «بندگان خدا پس از استماع سخن، آن را نقادی می‌کنند، آن را که بهتر است، انتخاب می‌کنند و به آن عمل می‌نمایند. اینها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، پس هدایت الهی یعنی استفاده از عقل و نقد و ارزیابی امور» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۳۸). امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«هرچه را که مردم می‌گویند رد نکن که این عمل برای اثبات نادانی تو کافی است» (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۸۶۶). یا می‌فرماید: «کسی که با آرای گوناگون رو به رو می‌شود، نقاط ضعف و خطای آنها را درک می‌کند» (همان، ص ۶۸۳۸). در روایات دیگر نیز بر موضوع نقد و بازنگری مستمر و محاسبه نفس، بسیار تأکید شده است (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۲۲۲). در همه این روایات، کلام را نقد و ارزیابی و بین خوبی‌ها و بدی‌ها قضاوت کردن، مهم است. این ویژگی‌ها در آموزه‌های تربیت دینی جایگاه ویژه‌ای دارد.

حضرت علی (علیه السلام) از میان عواملی که موجب نهادینه شدن برخی رفتارها در فرد می‌شوند، به مسئله زمینه‌سازی و آماده ساختن موقعیت هر مسئله، اهمیت ویژه می‌دهد و معتقد است که نباید در هر جایی و هر زمانی، به کاری دست زد. امام علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «دل‌ها روی کردن و پشت کردن است؛ پس دل‌ها را آنگاه به کار وادارید که بخواهند؛ زیرا اگر دل را به اجبار به کاری واداری، کور می‌گردد» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۰۵). حضرت علی (علیه السلام) در خلال آموزه‌ها و اصول خود، موقعیت‌یابی و زمینه‌سازی را یکی از ملاک‌های اصلی فرد منتقد از دیگران می‌داند.

از این ویژگی تفکر انتقادی استنتاج می‌شود که فرد دارای تفکر انتقادی در قضاوت و تحلیل مسائل شتابزده و یک جانبه عمل نمی‌کند و موقعیت و شرایط زمینه‌ای را به مثابه ملاک‌ها و معیارهای اساسی در تصمیم‌گیری و قضاوت در نظر می‌گیرند و در واقع برای قضاوت و نقد هر مسئله‌ای آن را در بستر زمانه خویش تحلیل و ارزیابی می‌کنند و با این ویژگی انسان‌ها از بسیاری تفرقه‌ها و اختلاف‌های پوچ و سطحی نجات می‌یابند و راه تعالی را پیش می‌گیرند.

در واقع بخش اعظم اشتباهات و کج‌روی‌های انسان‌ها در مسیر ارتباطات اجتماعی به دلیل یک جانبه‌نگری و عدم دید کلی به شرایط و موقعیت‌های مختلف می‌باشد.

## ۶. بصیرت و روشن‌بینی

منظور از این ویژگی آن است که فرد در مواجهه با عقاید، دانش و نظرات، با رفتن از سطح به عمق و توجه به ابعاد گوناگون یک مسئله، آن را به‌طور دقیق بررسی کند. یکی از خصایص انسانی که دارای توانمندی تفکر انتقادی است، بصیرت می‌باشد و حضرت علی (علیه السلام) در سخنی، انسان بصیر را چنین توصیف می‌کند: «إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ، وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ، وَ انْتَفَعَ بِالْعَبْرِ...» همانا بینا کسی است که (به درستی) بشنود و سپس (در آن) بیاندیشد، و (به درستی) بنگرد و بینا گردد و از عبرت‌ها پند گیرد... (دشتی، ۱۳۸۵، خ ۱۵۳). یعنی زمانی انسان به بینش و بصیرت می‌رسد که به شنیدن اکتفا نکند، بلکه در شنیده‌ها، اندیشه نماید و با دقت به امور بنگرد. به عبارت دیگر به نظر

امام (علیه السلام) یکی از مراحل ایجاد بینش عبارت است از: دقت و تیزبینی (اندیشه). انسان مؤمن در طریق دینداری، باید بارها با ریزبینی و دقت به پدیده‌ها بنگرد و به عقلش، سختی بدهد تا بتواند از دل حادثه‌ها و تجربه‌های آمیخته با ریب و ظن، با بصیرت سر برآورد. در سوره ملک، آیات ۳ و ۴ برای تأکید بر دقت و تیزبینی انسان، آمده است: بار دیگر نگاه کن و عالم را با دقت بنگر، آیا هیچ شکاف و خلل و اختلافی در جهان مشاهده می‌کنی؟! «فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ». و از این رو در آیه بعد برای تأکید همین معنی می‌افزاید: بار دیگر دیده خود را باز کن، و دو مرتبه به عالم هستی بنگر، سرانجام چشمانت به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان شده، و در جست‌وجوی خلل و نقصان در این عالم بزرگ ناکام مانده است! «ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ». کرتین از ماده کر (بر وزن شر) به معنی توجه و بازگشت به چیزی است، و کره به معنی تکرار و کرتین تشبیه آن است، ولی بعضی از مفسران گفته‌اند که منظور از کرتین در اینجا معنی تشبیه نیست، بلکه منظور دقت و توجهی مکرر و پی در پی و متعدد است. از این آیه و آیات ابتدایی سوره ملک دو نتیجه مهم می‌توان گرفت: قرآن به همه رهروان راه حق، دستور مؤکد می‌دهد که هر چه می‌توانند در اسرار عالم هستی، توجه و دقت کنند، و به یک بار و دو بار قناعت ننمایند، دیده‌های تیزبین لازم است که بعد از چندین نگاه، اسرار را بیابد. دیگر اینکه هر قدر انسان در این نظام دقیق‌تر شود، انسجام آن را بهتر درک می‌کند، انسجامی خالی از هرگونه نقص و خلل. از این رو بر هر مسلمانی لازم است با مطالعه دقیق و تیزبینی لازم به بصیرت خویش بیفزاید تا در دام فریب‌کاران نیفتد.

از این ویژگی تفکر انتقادی این‌گونه استنتاج می‌شود که، بصیرت به معنای آگاهی، شناخت عمیق و اطمینان‌بخش و علمی یقینی و به منزله هدایت‌گری است که به انسان، توانایی درک حقایق و پشت پرده حوادث را می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که راه حق را از باطل به روشنی تشخیص می‌دهد و از فتنه‌ها به سلامت عبور می‌کند. در واقع بصیرت به انسان نگاه روشن‌بینانه‌ای می‌دهد و موجب می‌شود فرد هم‌زمان به ارتباط بین موضوعات مختلف به‌صورت آگاهانه دقت نموده و نیز خود را اسیر مسائل سطحی و ظاهری نکنند. با این ویژگی انسان‌ها از پوچی نجات می‌یابند و هر مسئله‌ای را با بینشی جامع می‌نگرند و تفسیر می‌کنند.

#### ۷. پرهیز از تعصب و اغراض شخصی

داشتن تواضع فکری بدان معناست که انسان به‌صورت موقت، آرای خود را باور داشته باشد تا با استدلال و شواهد جدید آنها را تغییر دهد. تواضع و فروتنی سبب نزدیکی به سرچشمه هدایت و

زندگی در بهشت هدایت است (مشایخی‌راد، ۱۳۸۰، ص ۵۰). تعصب نیز به دو قسم مذموم و ممدوح تقسیم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۱۷). تعصب که بار منفی دارد و به معنای لجاجت، تکبر و وابستگی غیر منطقی و غیر معقول به کسی یا چیزی است، پیامدهای منفی و تقلید کورکورانه و جموداندیشی را در پی دارد. تعصب بدین معنا از منظر اسلام مذموم بوده و در آموزه‌های دینی از آن به شدت نکوهش شده است، تا آنجا که پیامبر ﷺ آن را یکی از ویژگی‌های جامعه عصر جاهلیت خواند و فرمود: «هر کس در دلش به اندازه خردلی عصبیت باشد، خداوند روز قیامت او را با اعراب جاهلیت محشور می‌کند» (فتح، ۲۱۶). همچنین فرمود: «کسی که مردم را به تعصب دعوت کند از ما نیست و کسی به خاطر تعصب بجنگد از ما نیست...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۱۱). امام علی (علیه السلام) نیز تعصب غیر منطقی را عامل انحراف و بدبختی خواند (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه قاصعه). تعصب به معنای حمایت از دین و تلاش در نگهداری از دین و کوشش در خصوص ترویج آن، ممدوح بوده و در آموزه‌های دینی بدان سفارش شده است. یکی از آسیب‌های تربیت دینی، انحصارگرایی است. انحصارگرایی در صورت رسوخ به فرایند تربیت دینی، نه تنها مانع تحقق اهداف واقعی تربیت دینی می‌شود، بلکه خصیصه اساسی و مهم تربیت دینی را که همان عقلانی و انتقادی بودن است تضعیف می‌نماید و زمینه‌های ورود جنبه‌های تلقینی را به فرایند تربیتی فراهم می‌سازد. در انحصارگرایی مربی یا مربی فکر می‌کند که آنچه در اختیار اوست، حقیقت مطلق است و هرچه غیر از اندیشه و دین اوست، باطل مطلق است، زیرا افزون‌بر اینکه با حقیقت ادیان منطبق نیست، در افراد تحت تربیت دینی نیز تعصب بی‌مورد به وجود می‌آورد و باب مراوده فکری میان طرفداران ادیان مختلف را می‌بندد (باقری، ۱۳۸۰، ص ۵۷).

از این ویژگی تفکر انتقادی این‌گونه استنتاج می‌شود که تعصب و غرض‌ورزی از جمله موانع و آسیب‌های جدی تفکر انتقادی می‌باشد و هر فردی که به مرتبه تفکر انتقادی می‌رسد (به خصوص در جامعه اسلامی که از داخل و خارج با آسیب‌ها و تهدیدهای معرفتی متعددی روبه‌رو است) هیچ تعصب و باور غیر منطقی نسبت به موضوعات مختلف ندارد و همیشه آرا و افکار خود را به دید انتقادی نگاه می‌کند و با صبر و مطالعه مداوم تلاش می‌کند آرا و اعمالش را اصلاح کند، بنابراین فرد دارای تفکر انتقادی در تحلیل و قضاوت درباره امور مختلف تنها کلیت موضوع را به مثابه یک نقشه در مقابل چشمانش به تصویر کشیده و تصمیم می‌گیرد و به هیچ باور و برداشت غرض‌ورزانه و غیر منطقی اجازه دخالت نمی‌دهد.

### روش‌های تربیتی مبتنی بر تفکر و اندیشه‌ورزی در تربیت اسلامی

از جمله مبانی تعلیم و تربیت، مبنای «اندیشه‌ورزی» است. با توجه به این مبنا، یکی از اصول تعلیم و تربیت، «اصل تعقل» است. این اصل، ناظر به ویژگی اندیشه‌ورزی در انسان است. یکی از ویژگی‌های اصل تعقل این است که همه انسان‌ها درگیر اندیشه‌ورزی‌اند و امر به تفکر موردی ندارد و هرگاه شاهد چنین امری باشیم، در واقع، امر به «نوع» معینی از تفکر مد نظر است. بنابراین تفکر هدایت‌شده مطلوب است و این معنا، هم‌سنگ «تعقل» است.

هرگاه تفکر و تعقل مترادف یکدیگر به کار روند، مقصود همین تفکر هدایت‌شده است. پس می‌توان گفت هر تعقلی، تفکر است، اما هر تفکری، تعقل نیست. از این رو «اصل تعقل»، بیان‌کننده آن است که باید پوشش بی‌وقفه فکر و اندیشه آدمی را هدایت کرد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۱).

خداوند در قرآن می‌فرماید که عقل، جز بر بستر علم نمی‌روید و برای عاقل بودن، باید عالم بود. آنجا که می‌خوانیم: «وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنُصْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ»؛ و ما این همه مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم (تا حقایق برای آنها روشن شود) و لیکن به جز مردم دانشمند، کسی تعقل در آنها نخواهد کرد» (عنکبوت، ۴۳).

با توجه به مبنای اندیشه‌ورزی و اصل تعقل، روش‌های تربیتی باید به گونه‌ای باشد که تلاش و پوشش فکری انسان را به درستی تنظیم کند تا به سمت حقیقت هستی هدایت شود. قرآن سه روش تربیتی مرسوم در تفکر را نمی‌پذیرد و شیوه‌های خود را از هر یک مبرا می‌داند که این سه روش عبارت‌اند از:

#### مسلك حس‌گرایی محض

در این زمینه قرآن می‌فرماید: آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین و در هرچه خدا آفریده، فکر و نظر نکردند و در اینکه اجل آنها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شده باشد؟ پس به چه حدیثی بعد از این (قرآن) ایمان خواهند آورد (اعراف، ۱۸۵).

مسلك حس‌گرایی محض، با تفکر فلسفی ناتیالیستی (طبیعت‌گرایانه) مشابهت دارد. این فلسفه، طبیعت را تنها واقعیت می‌داند و به غیر آن معتقد نیست. به عبارت دیگر آنچه واقعیت دارد، همان طبیعت است و دنیای فیزیکی یا طبیعی آن، چنان‌که حواس ما درمی‌یابند، واقعی است (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰، ص ۲۶۹).

### مسلك استدلال محض

قرآن در این زمینه می‌فرماید: حج (واجب) در ماه‌هایی معین است، پس هر که در این ماه‌ها حج می‌گزارد، بایستی آنچه میان زن و شوهر رواست، ترک کند و کار ناروا (مانند دروغ و بدگویی) را ترک کند و مجادله نکند و شما هر کار نیک کنید، خدا بر آن آگاه است و توشه (تقوا برای راه آخرت) بگیرید که بهترین توشه این راه، تقواست و از من پروا کنید ای صاحبان عقل (بقره، ۱۹۷). مسلك استدلال محض نیز با فلسفه ایدئالیسم اشتراکاتی دارد. ایدئالیسم پدیده‌ها را براساس ایدئال یا آنچه به روح و تصور نسبت داده می‌شود، تفسیر و توجیه می‌کند و «عقل یا ذهن»<sup>۱</sup> یا «روح»<sup>۲</sup> را مقدم بر ماده می‌داند. این نظریه معتقد است که واقعیت، در پندارها، فکر، ذهن یا «خود»<sup>۳</sup> است، بیش از آنکه به نیروی مادی بستگی داشته باشد (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۰، ص ۲۸۱).

### مسلك تذکر محض

این مسلك بنا را بر این می‌گذارد که آدمی به‌طور فطری، همه علوم و معارف را در خویش دارد و نیازمند بازیابی از طریق یادآوری یا تهذیب نفس است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: آیا دیدی تخمی را که در زمین می‌کارید؟ آیا شما آن تخم را می‌رویاندید یا ما رویاننده‌ایم؟ (واقعه، ۶۳ و ۶۴). فلسفه تذکر محض با نظریه مُثُل افلاطونی، اشتراکاتی دارد؛ زیرا افلاطون علم را یادآوری و تذکار می‌داند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۱۶۸).

پس داوری قرآن چنین است که شکوفایی اندیشه و راهیابی آن به مقصود، از راه برخورد حسی و نظری با جهان، همراه با کنترل هوای انسانی فراهم می‌شود و هرگونه مطلق‌گرایی در هر یک از راه‌های یاد شده، آفت تعقل است (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۳). منظور از روش‌های تربیت عقلانی، روش‌هایی است که توازن عقل نهادی (عقل نظری که تمییزدهنده درست و نادرست و عقل عملی که الهام‌گر فجور و تقواست) را حفظ کند و راهیابی آن را به سمت «علم» صحیح فراهم آورد تا با دستیابی به این علم، شکوفایی عقل نهادی محقق گردد.

### پیامدهای تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

با بررسی ویژگی‌های تفکر انتقادی از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، نمونه‌های مختلفی از سودمندی و ثمره‌های این نوع تفکر بر ما آشکار می‌شود که خلاصه‌وار در اینجا مطرح می‌کنیم. هر تفکری که

1. Mind

2. Spirit

3. Self

بر مبنای اصول و قواعد خاصی صورت گیرد و شاخصه‌های انتقادی آن حفظ شود، نتایجی نیز به دنبال خواهد داشت که می‌تواند به‌عنوان بهره‌های تفکر انتقادی از آنها یاد کرد.

همان‌گونه که می‌دانیم، انسان جز با تفکر، به حقیقت کارها دست نمی‌یابد و جز با اندیشه صحیح، از فرو رفتن در دام‌های گمراهی در امان نمی‌ماند. از این‌رو امام علی (علیه السلام) نیز بینایی را ثمره تفکر می‌داند. براساس آنچه در این پژوهش به‌عنوان ویژگی تفکر انتقادی یاد کردیم، می‌توان ثمره‌های تفکر انتقادی را از دیدگاه آن حضرت (علیه السلام) چنین برشمرد:

### ۱. گسترش فرهنگ پژوهشگری

امام علی (علیه السلام) همان‌گونه که به تفکر و اندیشه در کارها اهمیت می‌دهد، به تحقیق و پژوهش نیز توجه دارد که لازمه تفکر صحیح است. آن حضرت از سویی بهترین کارها را در پژوهش می‌بیند، چنان‌که می‌فرماید: «لا عمل کالتحقیق» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰، ص ۶، ۳۵۳) و از سویی نیز معتقد است: «لاینبغ اجتهاد بغیر تحقیق؛ اجتهاد بدون تحقیق، بی‌فایده است». (همان، ۳۸۷).

امام علی (علیه السلام) در راستای تلاش برای بررسی و تحقیق می‌فرماید:

«طاعة الله سبحانه لا تحوزها إلا من بذل الجهد واستفرغ الجهد؛ به طاعت خدای سبحان دست نیابد مگر کسی که تلاش کند و نهایت کوشش خود را به‌کار گیرد (خوانساری، ۱۳۶۰، ص ۶۰۰۹).

یکی از پیامدهای مهم تفکر انتقادی رشد فرهنگ پژوهشگری است، در واقع با بسط فرهنگ تفکر انتقادی در عرصه اجتماع و آموزش آن از ابتدا در نهادهای مختلف آموزشی و فرهنگی-اجتماعی، افراد به تحقیق و بررسی در زمینه مسائل مختلف علاقه‌مند می‌شوند و هیچ‌باور و عقیده‌ای را کورکورانه نمی‌پذیرند و هر موضوعی را ابتدا با استفاده از منابع متعدد اطلاعاتی مورد پژوهش و تحقیق جامع قرار می‌دهند و در نهایت دست به قضاوت، تصمیم‌گیری و عمل می‌زنند.

### ۲. کوشش برای کشف حقیقت

امام علی (علیه السلام) چاره‌جویی را فایده و ثمره تفکر عنوان می‌کند، چنان‌که می‌فرماید: «الحيلة فائدة الفكر» (همان، ج ۱، ص ۱۰۸).

یکی دیگر از پیامدهای مهم رشد تفکر انتقادی در جامعه اسلامی، تلاش و کوشش مداوم افراد برای درک و شناخت معرفت می‌باشد، در واقع وقتی فرد دارای ظرفیت تفکر انتقادی باشد از آنجا که همه مسائل را با دیدی انتقادی نگاه می‌کند به‌طور مداوم در تلاش است تا آگاهی و تسلط خود را بالا ببرد تا با مبنا و سپری از اطلاعات و حقیقت به قضاوت و تفسیر دست بزند و با توجه به



گسترش مداوم اطلاعات در جامعه امروزی از یک سو و تهدیدهای مداوم جامعه اسلامی امروز از سوی دیگر، این پیامد بسیار کاربردی و سازنده می باشد.

### ۳. کاوشگری

همان گونه که فرد برای رسیدن به حقیقت کارها به تحقیق و پژوهش می پردازد و در این راه به چاره جویی و کوشش برای کشف حقیقت مبادرت می ورزد، تفکر انتقادی موجب توسعه کاوشگری در فرد می شود و این شاخصه مهم، به بارور شدن معرفت و شناخت فرد منجر می شود. حضرت در این باره می فرماید: «قاح المعرفة دراسة العلم» (همان، ج ۵، ص ۱۲۵).

و اما یکی دیگر از پیامدهای مثبت و سازنده تفکر انتقادی در عرصه فردی و اجتماعی رشد روحیه کاوشگری است. فرد دارای توانمندی تفکر با رویکردی مسئله محور به موضوعات مختلف می نگرد و با ایجاد یک موقعیت جدید همراه با ابهام و تحیر، به تفکر و تجسس و پژوهش می پردازد و به طور مداوم پرسش های مختلفی را طرح کرده و به مثابه یک پژوهشگر علمی تلاش می کند با کاوش و تحلیل مسائل مختلف به پرسش ها به طور مستقلا نه و رها از زمینه های مختلف پاسخ دهد.

### ۴. تشویق روحیه یادگیری مادام العمر

در اسلام به مقوله کسب دانش توجه بسیاری شده است و از این رو امام علی (علیه السلام) با دیدی آزاد و انتقادی و با توجه به اهمیت نفس حکمت، گرفتن آن را از هر منبعی محترم می شمرد و بدون تعصب و عناد به دارنده حقیقت و حکمت، آن را برای پیشبرد حقیقت و معرفت لازم می داند و می فرماید: «حکمت، گمشده مؤمن است؛ پس گم کرده خود را بجوی، گرچه نزد اهل شرک باشد» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۷).

این مسئله نشان دهنده اهمیتی است که فرهنگ اسلامی به یادگیری و کسب دانش دارد و در راه کسب دانش، خط قرمزی را نمی شناسد و با نگرش انتقادی، توجه به راه های مختلف دستیابی به معرفت و علوم را پیشنهاد می کند. بنابراین امام علی (علیه السلام) تشویق به تحصیل دانش را در هر جایی و هر زمانی و نزد هر فردی جایز می خواند و این پیامد تفکر انتقادی است که آن حضرت به آن اهمیت ویژه می دهد. در واقع فردی که دارای ظرفیت تفکر انتقادی است به طور مداوم و با دیدی جامع همه مسائل حتی باورهای غلط و سطحی را مورد بررسی قرار داده تا با مبناها و منبع های بستر ساز دیدگاه های مختلف آشنا شود و دانش و آگاهی اش را بالا ببرد.

### ۵. عدالت‌ورزی؛ نگاه عادلانه و بدون سوگیری

از احادیثی که درباره حکم عقل به خوبی و بدی کارها از امام علی (علیه السلام) نقل شده است، برمی‌آید که حسن و قبح افعال، عقلی و یقینی است و انسان با تعقل و تدبیر در کارها، به‌طور یقینی درک می‌کند که اعمالی خوب است یا رفتاری زشت. بدین ترتیب عقل، انسان را به کارهای خوب و ترک کارهای زشت دعوت می‌کند. برای مثال، حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من علامات العقل، العمل بسنة العدل؛ از نشانه‌های عقل، عمل به روش عدل است» (حکیمی و حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶، ص ۳۳۲).

عدالت‌ورزی یکی دیگر از پیامدهای سازنده و کاربردی تفکر انتقادی در سیره حضرت علی (علیه السلام) می‌باشد، در واقع وقتی فرد بر ظرفیت‌های تفکر انتقادی مسلط باشد و با چشم‌اندازی انتقادی و عمقی و تحلیلی مسائل را بنگرد، اسیر باورهای غرض‌ورزانه، زمینه‌ای، محیطی و فرهنگی خویش نشده و فرهنگ، باور و در یک کلام همه امور زندگی خود را نیز زیر سؤال برده و تحلیل می‌کند و در نتیجه در راستای قضاوت در مورد دیگران واقع‌بینانه و با توجه به شرایط فعلی و موقعیتی آنان دست به تصمیم‌گیری و اعمال نظر می‌کند، بنابراین دید و قضاوتش عادلانه خواهد بود. بخش اعظم بی‌عدالتی‌های دنیای معاصر به دلیل خودمحموری و منفعت‌طلبی انسان‌ها و بی‌توجهی به رشد تفکر منطقی و انتقادی می‌باشد.

### ۶. احترام به آرا و اندیشه‌های ذهن‌های مختلف

یکی دیگر از نتایج اساسی تفکر انتقادی، احترام به آرا و اندیشه‌های دیگران است. در عرصه علم و دانش، خودرأیی و بی‌توجهی به اندیشه‌های دیگران جایگاهی ندارد. همان‌گونه که حضرت (علیه السلام) می‌فرماید: «لا تستصغرن عندک الرأی الخطیر اذا اتاک به الرجل الحقیق؛ کوچک مشمار رأی مهم و خطیر را هنگامی که مرد حقیر و کوچکی آن را برای تو آورد» (همان، ج ۶، ص ۲۸۷). یکی دیگر از پیامدهای رشد تفکر انتقادی در جامعه از منظر حضرت علی (علیه السلام) احترام به آرا و اندیشه‌های دیگران می‌باشد، در واقع همان‌گونه که پیشتر گفتیم تعصب و غرض‌ورزی یکی از دشمنان و موانع جدی تفکر انتقادی است و در زمانی که فرد بدون تعصب و باورهای فرهنگی و اجتماعی دست به قضاوت و تصمیم‌گیری بزند منجر می‌شود که به همه احترام بگذارد و فقط و فقط آرای خود را برتر نداند و به آرا و اندیشه‌های دیگران نیز احترام بگذارد و در بستر زمینه ایشان مورد تحلیل قرار دهد.

## ۷. تربیت اخلاقی

با عنایت به جایگاه رفیع اخلاق و نقش آن در کمال و سعادت فردی و اجتماعی و نیز آثار شگرف آن در زندگی مادی آدمی، در فرهنگ دینی نیز، اخلاق به عنوان هدف بعثت پیامبران، به ویژه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) یاد شده است (فیض کاشانی، ۱۳۹۹ق، ص ۵۵). از سوی دیگر، بشر همواره به تربیت اخلاقی نیاز داشته و دارد؛ و به ویژه در عصر بحران هویت و فقدان معنویت است، باید با روی آوردن به تربیت اخلاقی، به زندگی شایسته و سعادت بایسته نایل آمد. در نتیجه فضایل اخلاقی نه تنها سبب رستگاری در قیامت است، بلکه وسیله ای برای سعادت و خوشبختی در زندگی دنیا هم محسوب می شود. اینجاست که به اهمیت سخن حکمت آمیز امیرمؤمنان علی (علیه السلام) پی می بریم که می فرماید: «یعنی اگر امیدی به بهشت و ثواب و ترسی از جهنم و عقاب نداشتیم، باز هم شایسته بود که ما در پی مکارم اخلاق باشیم، زیرا خوشبختی و سعادت را از این طریق می توان به دست آورد» (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۱۹۱).

امام علی (علیه السلام) معتقد است که برای تربیت اخلاقی می توان سه رکن اساسی قرار داد که بدون یکی از این ارکان تربیت اخلاقی معنا و مفهومی ندارد: یکی باور و اعتقاد و بالاتر از این استدلال و بالاترین مرتبه قلب (دستی، ۱۳۸۵، حکمت ۳۷۵) و همان گونه که در قسمت های پیشین متذکر شویم این سه رکن از محورهای اساسی در رشد تفکر انتقادی می باشند. همچنین حضرت در نامه ۳۱ خطاب به فرزندش او را از بدی منع می کند؛ چراکه شتاب در این امر سودی ندارد: «بدی را تا می توانی پس افکن که همیشه فرصت شتاب داری. بُریدن از نادان با پیوستن خردمند هم ارج است». در نهایت آخرین پیامد تفکر انتقادی از منظر حضرت علی (علیه السلام) را می توان تربیت اخلاقی دانست در واقع، عنصر عقل در تربیت نقشی برجسته دارد و پرورش قدرت عقلانی در تربیت، یکی از شرط های لازم برای تربیت اخلاقی است، در واقع بدون تفکر و تسلط بر خصیصه های تفکر انتقادی اخلاقیات در انسان ها رشد نمی یابد انسانی که متعصب، خودبین، عجول و مغرور است را نمی توان دارای منش اخلاقی دانست در نتیجه تفکر انتقادی یکی از پیش زمینه های لازم برای تحقق تربیت اخلاقی است.

با توجه به مطالب بیان شده، روش های تربیت تفکر انتقادی در اسلام عبارت اند از:

۱. روش تزکیه: کشمکش های نفسانی، توازن عقل نهادی را از آن سلب می کنند و عقل را، هم در حیظه نظر و اندیشه و هم در حیظه عمل و کردار به خطا می رانند، چنان که حب و بغض، چشم عقل را چنان کور می کند که اندیشه حق را سست و اندیشه باطل را استوار و متین می یابد. در عرصه عمل نیز تن دادن به هوس ها و پیروی هواها، کار عقل را به جایی می رساند که عمل زشت را نیک

می بیند و عمل نیک را زشت می بیند (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۵). قرآن نیز در این باره می فرماید: آیا آن کس که کردار زشتش به چشم، زیبا جلوه داده شده (و از خودپسندی) آن را نیکو ببیند (مانند مرد حقیقت بین و نیکوکار است)؟ پس خدا هر که را خواهد به گمراهی واگذارد و هر که را خواهد، هدایت فرماید. پس مباد نفس شریفیت بر این مردم به غم و حسرت افتد، که خدا به هر چه اینان کنند، کاملاً آگاه است (فاطر، ۸).

از این رو بخشی از روش های تربیت عقلانی و تفکر انتقادی در اسلام، به مهار طغیان های نفسانی اختصاص یافته و به آنها مانند شرطی برای عقل ورزی نگریسته شده است. چنان که در حدیث داریم: «مَنْ لَمْ يَهْدَبْ نَفْسَهُ لَمْ يَنْفَعِ بِالْعَقْلِ؛ هر کس به تهذیب نفس خویش نپردازد، از عقل بهره مند نخواهد شد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۰، به نقل از الحیة، ج ۱، ص ۱۵۳).

البته باید برای تیزبین تر کردن تفکر انتقادی، به مواردی چون جدا کردن حساب اندیشه و اندیشنده، پیروی نکردن از هوا و هوس، جلوگیری از عجب به معنای بزرگ جلوه کردن توانایی های خویش که با کم بینی فضایل دیگران همراه است، کنترل خشم و غضب ناموجه و جلوگیری از عناد و انکار که در پی عجب و غضب و با آمیزه ای از این دو به وجود می آید، توجه بسیار جدی کرد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶ و ۲۰۷).

بنابراین یکی از اهداف روش تزکیه، رعایت اصل تعقل و ایمان و رشد تفکر انتقادی است تا با توجه به مرکز دانستن این اصل و رعایت دیگر اصول در کنار آن، دانش آموزان، روند تعلیم و تربیت را بیوند؛

۲. روش تعلیم حکمت: به کارگیری روش حکمت در امر هدایت و تربیت انسان ها، یکی از روش های ارزشمند است که امام علی (علیه السلام) همانند قرآن مورد توجه قرار داده است. یکی از شیوه های نهج البلاغه برای استفاده از روش حکمت استفاده از برهان و استدلال است و در این راستا برهان های منطقی و عملی در سطوح مختلف اقامه کرده است. مثلاً درباره وحدت خداوند می فرماید: «لَا أَحَدٌ لَاتَأْوِيلَ عُدَّةٍ» یگانه است نه از روی عدد (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۱۵).

حکمت، علمی است که می توان با آن، هم در حیطه اندیشه و هم در حیطه عمل، به واقعیت و حق دست یافت. عقل نهادی با علم می بالد و از این رو قرار دادن انسان در مسیری که در آن به علمی راست بین (حکمت) دست یابد، به منزله شیوه ای برای تربیت عقلانی اوست (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷).

قرآن کریم آغاز این مسیر را برخورد حسی با جهان می داند و بر این اساس، در نگاشتن علم بر لوح ذهن، نخست از گوش و چشم سخن می گوید. چنان که می فرماید: «و خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد، در حالی که هیچ نمی دانستید و به شما گوش و چشم و قلب اعطا کرد تا مگر (دانا شوید و) و شکر (این نعمت ها) به جای آرید» (نحل، ۷۸).

یا هنگامی که یکی از فرزندان آدم، دیگری را کشت، نمی‌دانست با جسد چه کند و چگونه آن را مخفی سازد. خداوند کلاغی را برانگیخت تا در پیشروی او طعمه خود را در زمین پنهان سازد: «آنگاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال حفر کند تا به او بنماید چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان کند. (قابیل) گفت: وای (بر من) آیا من عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم؟ پس (برادر را به خاک سپرد و) از این کار سخت پشیمان گردید» (مانده، ۳۱).

بنابراین یکی از روش‌های تربیتی که منجر به تفکر انتقادی می‌گردد، بهره‌گیری از روش تعلیم حکمت است. با نظر به این روش، مربی باید چنین سیری را همراه با مربی ببیند و او را در معرض علم و حکمت قرار دهد. با دستیابی به حکمت، عقل فریه می‌شود و بنیه‌ای استوار می‌یابد و شکوفایی عقل و تفکر انتقادی، در فراهم آمدن چنین بنیه‌ای است؛

**۳. روش مذاکره:** تشریح مسائل و عواقب امور برای افراد و آگاه کردن آنها از علل پیدایش مسائل و نتایج بد دامن زدن به فتنه‌ها، به کاهش و حل تعارضات کمک شایانی می‌کند. مذاکره رودررو و آگاه کردن افراد از نتیجه امور و مشکلاتی که برای آنها و دیگران در پی خواهد داشت باعث می‌شود افراد به این واقعیت پی ببرند که مدیر یا رهبر دلسوز و خیرخواه آنها، جامعه بوده در نتیجه، همکاری‌های لازم را با وی بنمایند. مذاکره معمولاً همراه با نرمش و لحنی آرام از سوی فرد شروع شده و ادامه می‌یابد؛ ولی در مواردی امکان دارد با نتیجه نگرفتن از مذاکره نرم و بی‌توجهی افراد به او از مذاکره‌ای همراه با لحنی تند و یا ترساندن افراد از عاقبت امور استفاده شود. امام در خطبه ۱۲۲ و پس از پافشاری خوارج بر شورش‌گری شخصاً به قرارگاه آنها رفته و با مذاکره مستقیم با معارضان پیرامون توطئه‌ها و فتنه‌های ایجاد شده آنها را به وحدت دعوت کردند (دشتی، ۱۳۸۵، خطبه ۵، ۳۶، ۸۳ و ۱۲۲)؛

**۴. روش الگویی:** یکی از شیوه‌های تربیتی، که از نظر روانی می‌تواند تأثیر زیادی داشته باشد، روش اسوه‌سازی و معرفی الگوی خوب و بد است. مربی در این روش می‌تواند واقعیت را عینیت بخشد. این روش در نهج‌البلاغه مورد استفاده قرار گرفته است. هر کسی می‌تواند در مرتبه خود الگوی شایسته برای دیگران باشد و این امر زمانی می‌تواند سامانی درست بیابد که الگوها به مسئولیت خطیر خود واقف باشند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که خود را رهبر مردم قرار داد باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران پردازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند با کردار تعلیم دهد و آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند سزاوار تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد (دشتی، ۱۳۸۵، حکمت ۷۳).

گرچه در احادیثی که در روش‌های تربیت تفکر انتقادی اشاره کردیم، واژه عقل بیشتر به چشم می‌خورد؛ ولی همان‌گونه که در بخش خصیصه‌های تفکر انتقادی گفتیم، عقل و شکوفایی آن، هم مبدأ و هم مقصد تفکر انتقادی است و بسیاری از اصول و ویژگی‌های تفکر انتقادی را دربر می‌گیرد.

### نتیجه

از آنجا که تفکر انتقادی در همه جنبه‌های زندگی کاربرد دارد و در موقعیت‌های گوناگون، عامل تفاوت میان موفقیت و شکست است و از همه مهم‌تر اینکه حضرت علی (علیه السلام) و کتاب آسمانی، عمل به موازین و اصول تفکر انتقادی را به ما گوشزد می‌کنند، مریبان جامعه اسلامی باید درصدد پرورش تفکر انتقادی در خود باشند و این امر در گروهی پرورش خصوصیات رفتاری متعدد در فرد است.

چنان‌که اشاره شد، توجه به گسترش توانایی‌های تفکر انتقادی، موضوع جدیدی نیست و از همان ابتدا در آموزه‌های دینی ما تصریح شده است. اگرچه در اهداف نظام‌های آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان آموزشی، می‌توان توجه به مسئله تفکر را آشکارا درک کرد؛ اما در عرصه عمل و با کاربست رویکردهای نوین آموزشی، رغبت زمینه‌چندانی برای رشد تفکر انتقادی و منطقی آنها وجود ندارد. مریبان نیز با وجود سخنانی مبنی بر پذیرفتن این فرض که تفکر، راه را برای آموزش بیشتر باز می‌کند، همواره با شیوه‌های قالبی و حذف حقایق و ایجاد محیط خشک انضباطی، زمینه حفظ کردن اطلاعات درسی را فراهم می‌کنند که این امر، با هدف‌های محیط‌های آموزشی سالم مغایرت دارد.

این نکته نیز فراموش شده است که حفظ کردن پرسش‌ها و انباشتن ذهن از اطلاعات مرتبط و نامرتب با زندگی واقعی، موجب هدر رفتن هزینه‌ها، امکانات و توانمندی‌های افراد می‌شود. برای آنکه نسل پویا و تلاشگری در پیشبرد ثبات و دوام جامعه تربیت شود، باید به فراگیران شیوه‌های قضاوت درباره جامعه و تفکر در مورد زندگی خویش را آموزش داد و بهتر است که در مورد پرورش مهارت‌های تفکر انتقادی، سازمان‌ها و نهادهای مسئول همچون آموزش و پرورش، آموزش عالی و افراد مرتبط با آن، فراتر از حرف و نظر، برای پرورش این مهارت‌ها دست به‌کار شوند تا با توجه به ضرورت و اهمیت این موضوع برای عصر حاضر، مسلمانان متفکر، منتقد و دارای تفکر منطقی و متناسب با شرایط این دوره تربیت شوند. تفکر انتقادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مورد توجه در محافل آموزشی، بخش عمده‌ای از پژوهش‌های اندیشمندان مختلف را به خود اختصاص داده است.

در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از آرا و اندیشه‌های گران‌قدر حضرت علی (علیه السلام) و قرآن کریم، تفکر انتقادی از دیدگاه آنها بررسی و معرفی شود. بدین ترتیب دریافتیم که با توجه به اهمیت نقش تفکر و تعقل در اندیشه اسلامی، این مسئله در اندیشه‌های حضرت امیر (علیه السلام) و قرآن بازناب

ویژه‌ای یافته است. پس در تحقیق حاضر، ویژگی‌های مختلفی از دیدگاه حضرت علی (علیه السلام) برای تفکر انتقادی معرفی شد در ادامه نیز به منظور بسط فرهنگ تفکر انتقادی به روش‌های آموزشی و راهکارها و پیامدهای رشد تفکر انتقادی در جامعه اشاره شد.

با توجه به اهمیت تفکر انتقادی در آموزه‌های اسلامی به‌طور عام و آموزه‌های حضرت علی (علیه السلام) برای تسهیل و پرورش فرهنگ تفکر انتقادی در جامعه راهکارهای زیر ارائه می‌شود:

آشنا کردن معلمان، متخصصان آموزش و پرورش، دانشجویان و اساتید با تفکر انتقادی و تطبیق شیوه‌های آموزش خود با مؤلفه‌های مهم آن با توجه به فرهنگ اسلامی در امر یاددهی و تدریس؛

تغییر و تحول محتوای برنامه‌های درسی و برنامه‌ریزی براساس مبانی اسلامی رشد و پرورش تفکر انتقادی؛

آگاه ساختن فراگیران با مؤلفه‌های تسهیل‌کننده رشد تفکر انتقادی و شناخت بیشتر آنها از خودشان (در جهت تقویت خودشناسی اسلامی کاربست رویکردهای آموزشی براساس تفکر انتقادی)؛

در نهایت می‌توان به منظور نهادینه‌سازی آموزه‌های اسلامی معصومان الگوها و رویکردهای تربیتی را به‌صورت جدول (۱) ارائه نمود؛

جدول ۱: الگوها و رویکردها تربیتی تفکر انتقادی از دیدگاه قرآن و امام علی (علیه السلام)

روش‌های تربیتی	اصول	مبنا
روش تزکیه روش تعلیم حکمت روش مذاکره روش الگویی	تقوای حضور	۱. خداجویی
	بصیرت	۲. اندیشه‌ورزی و عقلانیت
	تعقل همراه با تدبیر	
	صبر و تلاش مداوم	۳. ضعف
	موقعیت‌سنجی	۴. هدایت‌پذیری انسان
پرسش‌گری		
	پرهیز از تعصب	۵. جذب‌ه حسن و احسان

در جدول (۱) با توجه به نظریه‌پردازی تربیت اسلامی و روش‌های تربیت اسلامی، آموزه‌های حضرت علی (علیه السلام) به ارائه مبنا و اصول پرورش تفکر انتقادی می‌پردازد، مؤلفه اول مبانی رشد تفکر انتقادی، تلقی می‌شود که در بردارنده رشد نگرش و بصیرت فراگیران در راستای مبانی خداجویی، عقلانیت، ضعف، هدایت‌پذیری و فضل انسان است؛ بر این نکته تأکید می‌شود که در فرایند آموزش تفکر انتقادی با توجه به رویکرد حضرت علی (علیه السلام) باید بستر و بینش اساسی فراگیران در راستای معرفت، هستی، خدا، انسان و جامعه شکل بگیرد. مؤلفه بعدی شکل‌دهنده مدل مربوطه

اصول تربیتی تفکر انتقادی می‌باشند که متناسب با مبناهای تفکر انتقادی بر رشد خصیصه‌های تقوای حضور، بصیرت، تعقل، صبر، موقعیت‌سنجی، پرسش‌گری و پرهیز از تعصب تأکید می‌شود در واقع باید خصیصه‌های تفکر انتقادی در همه مراحل آموزش حاکم باشند تا پیامدهای تربیت تفکر انتقادی محقق شود و اما مؤلفه پایانی روش‌های تربیتی مذاکره، الگویی، ترکیه، تعلیم حکمت می‌باشد.



## منابع

## \* قرآن کریم

۱. ابوداود، سلیمان بن اشعث (بی تا)، سنن ابن داود، مصر: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۲. امام وردی، داود و محمدرضا نیستانی (۱۳۹۲)، تفکر انتقادی: مبانی و مؤلفه‌ها، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۰)، آسیب و سلامت در تربیت دینی، پژوهش‌های تربیت اسلامی، ش ۶، نشر تربیت اسلامی، ص ۱۴-۶۰.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج ۲، تهران: مدرسه.
۵. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی: رویایی با مسائل عملی و نظری تعلیم و تربیت، تهران: مدرسه برهان.
۶. برنجکار، رضا (۱۳۸۰)، «عقل و تعقل در کلام امیر (علیه السلام)»، قبسات، ش ۱.
۷. بیات، اسدالله (۱۳۷۹)، «عقل و دین در کلام امام علی (علیه السلام)»، مجله متین، ش ۹، ص ۹۰-۶۹.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۰)، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد انصاری، تهران: امام عصر (علیه السلام).
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۰. حکیمی، محمد و علی حکیمی، (۱۳۸۶)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، چ نهم، تهران: نشر دلیل ما.
۱۱. حکیمی، محمدرضا و علی حکیمی، (۱۳۸۰)، الحیاة، ترجمه احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۲. خلیلی، مصطفی (۱۳۸۴)، «ایمان و خردورزی از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، مجله رواق اندیشه، ش ۴۰.
۱۳. خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۰)، شرح غررالحکم و دررالکلم، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.

۱۴. دشتی، محمد (۱۳۸۵)، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۱۵. ——— (۱۳۷۹)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: وزیری.
۱۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۵)، فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: سمت.
۱۷. رهنمایی، سیداحمد (۱۳۸۸)، «پایه‌های روان‌شناختی تربیت دینی»، دو فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال اول، ش ۲، ص ۱۳۸-۱۰۹.
۱۸. زاهد غیاثی، محمد (۱۳۸۰)، «جایگاه تفکر و اندیشه در قرآن کریم کتاب آسمانی مأخذ هرگونه تفکر اسلامی است»، مجله گلستان قرآن، ش ۷۵، ص ۳۰-۳۴.
۱۹. سلطان القرائی، صادق (۱۳۸۴)، ادبیات کودک و نوجوان با هویت فرهنگی (مواد و خدمات کودکان و نوجوانان)، تهران: دردانه.
۲۰. سلطان القرائی، خلیل و اکبر سلیمان‌زاد (۱۳۸۷)، «تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس»، فصلنامه تربیت اسلامی، سال سوم، ص ۱۸۱-۱۹۵.
۲۱. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۰)، روان‌شناسی یادگیری، تهران: توس.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۳. طبرسی، محقق میرزا حسین نوری (۱۴۰۸ق)، مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱۱، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم السلام).
۲۴. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۵. غلامزاده، طیبه و طیبه جمالی (۱۳۹۵)، «تفکر انتقادی، پیامدهای فردی و اجتماعی»، فصلنامه بهداشت روان، ش ۵۵، ص ۲۲-۲۸.
۲۶. فیض کاشانی، ملاحسین (۱۳۹۹ق)، الحقایق فی محاسن الاخلاق، لبنان: دارالکتاب العربی.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۳)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن‌زاده، تهران: اطلاعات.
۲۸. مایرز، چت (۱۳۷۴)، آموزش تفکر انتقادی، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۲)، بحارالانوار، ج ۱، تهران: اسلامیه.
۳۰. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۹)، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحديث.

۳۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۹)، دانشنامه امیرالمؤمنین، ترجمه مهدی مهریزی، ج ۴، قم: دارالحدیث.
۳۲. مشایخی‌راد، شهاب‌الدین (۱۳۸۰)، «اصول تربیت از دیدگاه امام علی (علیه السلام)»، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، ش ۲۷، ص ۴۹-۶۸.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: صدرا.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، پیرامون انقلاب اسلامی، چ نهم، تهران: صدرا.
۳۵. مغینه، محمدجواد (۱۳۸۷)، فی ظلال نهج البلاغه، ترجمه حسن بستان، قم: دارالکتاب.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن، ج ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
۳۷. میرلو، محمد مهدی (اردیبهشت ۱۳۸۶)، «آموزش نقادانه اندیشیدن»، ویژه‌نامه نقطه، ش ۱۴، روزنامه جام‌جم.
۳۸. نراقی، محمد مهدی (۱۴۲۲ق)، جامع السعادات، ج ۳، بیروت: اعلمی.
۳۹. نعمه، عبدالله (بی‌تا)، کنز الفوائد، قم: دارالذخیر.
۴۰. نصرآبادی، حسنعلی؛ رضا علی‌نوروزی و ناصر حبیبی (۱۳۸۳)، «در آمدی بر جایگاه، معنا و آثار و چشم‌اندازهای تفکر انتقادی»، حوزه و دانشگاه، سال دهم، ش ۴، ص ۷۲-۹۲.
41. Halpern, D.F. (1996), *Thought and Knowley An in trodution to critical thinuing*, (3rded). Mahwah, NJ: Elbaur Associates.
42. Halpern, D.F. (1996). *Teaching critical for transfer across Domains. American psychologist*, 53, (4), 444-445.
43. Walberg, H. J. (1991), "Productive Teaching and Instruction: Assessing the Knowledge Base" *In Effective Teaching: current Research*.

